

اتحاد بزرگ

میراث فرهنگی ایران را دریابید

در صفحه ۴

شماره ۲۳ پنجشنبه ۲۸ تیرماه ۱۳۵۸

تک شماره ۱۵ ریال

اگر ملت ایران کاری را از من بخواهند، تا آخرین نفس برای اجرای خواسته آنها می‌کوشم و تا پای جان ایستادگی می‌کنم. من از کشته شدن در راه مردم نمی‌ترسم و چنین مرگی را مرگ شرافتمندانه می‌دانم و آرزو دارم که در چنین راهی جان دهم.
۲۹ تیرماه ۱۳۳۱
دکتر محمد مصدق

توطئه، خلیج فارس را تهدید می‌کند

های هوی شیرین یگانگی

● هرگز بعنوان مسلمان بودن بعضی کشورها، ایرانی بودن را از یاد نمی‌بریم
● در خلیج فارس وظیفه بزرگی بر عهده نیروی دریائی ایران است

دربوش فروهر در جمع افسران نیروی دریائی ضمن تاکید بر مسئولیت نیروهای نظامی ایران گفت: امروز نشانه‌های خطر در خلیج فارس بسیار به چشم می‌خورد و می‌بینیم بسیاری از کشورهای اسلامی هم هستند و ما آرزوی آن داریم که یک روز به آن نقطه اوج آموزش‌های اسلامی برسند تا زمانی که خود را از ما جدا می‌دانند هرگز به عنوان مسلمان بودن آنها، ما ایرانی بودن خود را از یاد نخواهیم برد.
فروهر یادآور شد کسانی که گمان می‌کنند نیروی دریائی یک گارد ساحلی است سخت در اشتباهند ما اگر بخواهیم شریان‌های حیاتی‌مان آزادانه به کار خود ادامه دهند باید در خلیج فارس نیرومند باقی بمانیم
وی در پایان افزود: از ضعف ما ناشی می‌شود که امپریالیسم آمریکا در صدد برمی‌آید که نیروی ضربتی ویژه‌ای به خلیج فارس بفرستد و از ضعف ما ناشی می‌شود که کسانی در اندیشه خود این خیال خام را می‌پروراندند که این نام تاریخی را می‌توان دگرگون کرد.
بقیه در صفحه ۳



ای کفن‌پوش عزیزان بشما باد سلام ای بخون خفته شهیدان بشما باد سلام
کریم پور شیرازی

بار دیگر مبین، به چشمه‌های چوشان بدل شد. زن و مرد چوشان زلال زندگی بخش جاری شدند و کوجه، کوجه، کوجه، خیابان، خیابان را های هوی شیرین یگانگی پر کرد. دستها زنجیر شدند و زنجیر ایران راه مبین رها شدی ما را دریناه خویش گرفت.
هزاران هزار، پیر و جوان، سرشار از شهید همبستگی برابری از نور، شیر را زیر پای مرکب پرصدای خود گرفتند.
احساسی شیرین چوشان روز بزرگ و مفسس بیروزی، دلم والبریز کرد. اشک شوق باریدم و زمین سپاس بوسیدم که مردم مبین از این همه روشن بینی و نکته سنجی برخوردارند و درست در بزنگاه، همه‌ی نق‌نق‌زن‌ها و پیچ‌پیچ‌ها و اعتراض‌ها را کنار می‌گذارند و جانانه به میدان می‌آیند تا دشمن را نسبت آرزوهایشان فرو ریزد و خاکستر کند.
این مردها و زنها، این جوانها که زیر آفتاب تفتی تیرماه، برآسفات خیابانها پای کوبیدند، بار دیگر نشان دادند که به روز خطر بگونی تنی واحد به دفاع از انقلاب اسلامی و دستاوردهای پربهایش خواهند
بقیه در صفحه ۸

این مردها و زنها، این جوانها که زیر آفتاب تفتی تیرماه، برآسفات خیابانها پای کوبیدند، بار دیگر نشان دادند که به روز خطر بگونی تنی واحد به دفاع از انقلاب اسلامی و دستاوردهای پربهایش خواهند
بقیه در صفحه ۸

دولت‌مردان ما فراموشکار شده‌اند؟

در رسانه‌های گروهی اعلام شد که چرخش تازه‌ای در سیاست خارجی ایران به وجود آمده و قرار است با اعزام يك هیات دیپلماتیک به لیبی با حکومت آن کشور روابط سیاسی برقرار شود. جای تعجب است که مقامهای سیاسی کشور بسیاری از مسائل مهم را که با هویت ملی سرو کار دارد فراموش کرده‌اند.

برقراری روابط سیاسی با کشوری که رهبری آنرا يك گانگستر بین‌المللی به عهده دارد و بارها توطئه‌های کثیف او علیه ایران از پرده پنهان بیرون آمده‌است از اقداماتی است که باید جدا به دولت‌مردان تبریک گفته شود.

مگر فراموش کرده‌ایم که سرهنگ قذافی بعد از پیروزی انقلاب بدو حالی که سعی به نزدیکی با رهبر ما داشت دست به تحریکات «وئاگونی» در نقاط مختلف کشور ما زد و حتی سخنرا به آنجا رساند که نیروی مخصوص به منطقه خوزستان اعزام خواهد کرد.

حتما از یاد برده‌ایم که این تروریست بین‌المللی خوزستان ایران را منطقه‌ای جدا از کشور ایران و خلیج فارس را خلیج عربی خواند.
بقیه در صفحه ۸

حماسه خونین سی ام تیر ماه

به دنبال مبارزات پیگیر ملت ایران برای به دست آوردن استقلال ملی و آزادیهای فردی و اجتماعی با رهنمودهای تاریخی و زمان‌شناسی بنظر دکتر مصدق سرانجام زمام کشور در هم ریخته و چنگ زده ایران در دست مردی که تلاشهای سیاسی او در راه بسراوردن خواسته‌های مردمی برهنگان روشن بود، نهاده شد.

بیکارهای مردم قهرمان ایران با آنکه در گذشته‌های قهرآمیز ریشه داشت و چهره خونین انقلاب مشروطیت را بیاد می‌آورد اما در آن برهه از زمان برای رسیدن به استقلال و آزادی، به شکل کوشش‌های پارلمانی در آمده بود.
به رغم تسخیر سنگر نخست وزیری توسط دکتر مصدق، سر-وزران لشکری و دیسوان‌اناران کشوری همچنان در پایگاه دشمنی با مردم باقی ماندند و نظام حاکم در تار و بود وابستگی‌های بسا استعمار، واقعیت خشن و ضد ملی‌های پارلمانی در آمده بود.
بقیه در صفحه ۸

خانه‌های مصادره شده و فضای آموزشی

گروههای ۴۰ یا ۵۰ نفری باید در هم لول بخورند و این همه فضای قابل تبدیل به مدرسه مرکز تجمع شبانه یا استراحتگاه گروههای غیر مسئول شده باشد که به جز مزاحمت و ایجاد سرو صدا و خدای‌ناکرده خرابی در ساختمان و دستگاههای تپویه مطبوع و خشک‌شمن‌درختان و چمن نتیجه‌ای نداشته باشد.
در صورتی که با اختصاص دادن این نوع خانه‌ها و کاخها به مراکز آموزشی بار گران پرداخت مال‌الاجاره از شانه دولت برداشته می‌شود که خود رقم قابل ملاحظه‌ای خواهد بود

پیام مصدق بمناسبت سالروز قیام ملی سی ام تیر

هموطنان عزیزم:
به مناسبت تصادف با روز سیام تیر به یادبود شهیدانی که جان خود را در راه استقلال و عظمت کشور فدا کرده‌اند مراسمی برپا خواهید کرد که هم مراتب تکریم و احترام قلبی خود را به روح پاک این سربازان مجاهد راه حریت و آزادی تقدیم کنید و هم بدینوسیله ایمان و علاقه باطنی خویش را به ادامه‌ی مبارزهای که این رادهدان فداکار در راه آن شربت شهادت نوشیده‌اند ابراز و اظهار نمائید.
روز سیام تیر در تاریخ مبارزات ممتد ملت ایران فراموش نشدنی است زیرا در این روز تمام افراد ملت از هر طبقه و مقام در مقابل تحریکات اجانب یکدل و یکزبان قیام و اقدام کرده‌اند و تا بمقصود نرسیدند از پای نشستند.
بقیه در صفحه ۶

بخشی از مقاله «مصدق به موجب رفتارندم ملت ایران زمامدار شد»

به قلم شهید بزرگ نهضت دکتر سید حسین فاطمی
دیروز قوام‌السلطنه نوه قوام‌الدوله «مرو» و برادر کبیر نوق-الدوله عاقد قرارداد خاناناه ۱۹۱۹ که ایران را میان روسیه تزاری و انگلیس تقسیم میکرد بروی مردم بی‌پناه تهران اسلحه کشید و برای اینکه پایه حکومت انگلیسی و شد ایرانی خود را محکم بگذارد عندهای را مقتول و جمع کشوری را مجروح کرد.
بقیه در صفحه ۸

کارتر در آستانه سقوط

بزرگترین بحران سیاسی بدنیال استعفای اعضای کابینه آمریکا این کشور را در بر گرفت.
چندی پاول سخنگوی ریاست جمهوری در يك مصاحبه مطبوعاتی اعلام کرد که جیمی کارتر بزودی مسئله کناره‌گیری اعضای کابینه و مشاوران کاخ سفید را مورد بررسی قرار خواهد داد.
آخرین گزارش حاکیست که وزرای کابینه کارتر ضمن تسلیم استعفای جمعی خود از جیمی کارتر کارتر رئیس جمهوری آمریکا نیز خواسته‌اند از مقام ریاست جمهوری کناره‌گیری کنند.

ضد انقلاب فرصت می‌یابد

حوادث نطق - ترکمن صحرا - خرمشهر - مشکین شهر - بانه - مریوان و شماری دیگر که برشمردن تمام آنها فرصت نیست هریک ماجرائی را برای ضد انقلابیون فرصت طلب فراهم می‌آورد. خوزستان، منطقه‌ای که قلب ایران در آن می‌تپد، مرکزی که توانست نفس رژیم را به شماره اندازد پس این مرکزی تواند همیشه عامل تغییر و تحول باشد و مردولتی را تحت فشار قرار دهد و همین موقعیت است که منطقه را حساس کرده و ضد انقلابیون امپریالیستی و مرتجعین نیز با داعیه و طرفداری از اسلام به نفاق‌افکنی بین توده‌های مردم پرداخته‌اند. ستوالی که مطرح میشود این است سرزمین ایران را چه میشود؟ و خون جوانان يك خاطره از دوران ملی شدن نفت

گزارش مقدماتی دبیر خانه مجمع علمی مشاوره و تبادل نظر در باره فرهنگ ایران

این مجمع که با الهام از آیه شریفه فیشر عیادلین یستمعون القول فیتخون احسنه و تنها به خاطر بحث و گفتگو در باره آینده فرهنگ جمهوری اسلامی ایران به مدت دو روز (۱۷ و ۱۸ تیرماه ۱۳۵۸) تشکیل شد مسائل و موضوعات گوناگون فرهنگی کشور را در چهار شورای تخصصی تحت عنوان میراث‌های فرهنگی، آموزش و آفرینشهای فرهنگی، روابط فرهنگی به بحث و تبادل نظر گذاشت و دبیرخانه مجمع و شورای هدایتی در رابطه چهارشورای مذکور به جمع‌بندی نظرها و پیشنهادهای استادان و متخصصان شرکت‌کننده میشد پرداخت.
ضمن سیاست‌گذاری فراوان از تمامی استادان و متخصصان و کارشناسان شرکت‌کننده که هر چند با اندیشه‌ها و گرایشهای مختلفی در این مجمع شرکت کرده بودند لکن روحیه‌ای کاملاً دوستانه و تفاهم آمیز را براین مجمع حکمفرما کردند و در نهایت صراحت و صداقت در باره آینده فرهنگ ایران به‌گفتگو نشستند، لازم به یادآوری است که در این مجمع نیز همچون سایر مجامع علمی طبعاً همه شرکت‌کنندگان در مورد تمام مسائل برداشت‌های یگانه نداشتند و از دیدگاههای مختلف و با نظریات متفاوت به تجزیه و تحلیل مطالب می‌پرداختند و همانگونه که از عنوان مجامع استناد میگردد هدف از تشکیل این اجتماع نیز چیزی جز مشاوره و تبادل نظر نبوده است و بهین لحاظ آیه شریفه فوق در بسالای در وودی سائنهای برگزاری مجمع نصیب شده بود.

عمال انتلجنس سرویس ارزنده‌ترین اسناد نفت را آتش زدند

اشغال دفتر اطلاعات شرکت سابق نفت در خیابان نادری و خانه سرشناسی که از مبارزان معروف سران در کوچه ایرج، یکی از مفیدترین و هیجان‌انگیزترین اقدام هائی بود که پاسداران ملی شدن نفت در سال ۱۳۳۰ انجام دادند.
بقیه در صفحه ۸

سختگوی کمیته «برگزاری یاساواره شهیدان سیام تیر» اعلام داشت: به یاری خدا، مزارگرد ملال گمنامی گرفتگی شهیدان، ساعت ۵ به‌علاظظهر روز جمعه بیست و نهم تیرماه بازگشائی می‌شود و نمایندگان حزبا و جمعیت‌ها و گروهها و نیز همه‌ی زنان و مردان علاقمند بی‌هیچ استثنائی در این آئین به نشان «سیاس ملی» شرکت خواهند کرد. برای دوری از هر نوع فرقه بازی و فرصت‌طلبی، کمیته برگزاری یادواره اعلام داشت از آوردن هرگونه پلاکارد خودداری شود و از همگان خواست که به گونه‌ی تنی واحد عمل کنند. باشد که وحدت ملی هرچه گسترده‌تر گردد.

بنام خداوند جان آفرین

پناه جهان پرست ایران زمین
خواهران و برادران عزیزم برای من
بسیار جای خرسندی است که فرصت یافتیم
در میان کسانی که تا دیروز دشمنان ملت
هواره میکوشیدند آنها را از هم جدا
نکندارند و دود روی مردم قرار دهند،
بیرامون یکی از بزرگترین دگرگونیهای تاریخ
در جهان رخ داده است چند کلمه ای سخن
بگویم .

گفتم که هواره میکوشیدند ما از هم جدا
باشیم ، در جهان امروز تصور اینکه ملتی
یتواند دارای استقلال و آزادی باشد ، ولی
ارتش نداشته باشد ، تنها در مفرزگانی
که به آرزو بروی های نادرست خود
گرفته اند جای گیرد در جهان امروز
که پسته زندگی ملت ما برای آسودگی هرچه
بیشتر کوشش کردن چای می گیرد آنهاست
نازیر بر خورده هائی پدید می آید که در
این برخورد ها بی شناسایی های خاصی
از هستی یک ملت دفاع میکند . فرهنگ
خود بودن از خود مایه داشتن و از خود
دفاع کردن در حفظ استقلال نقش بی چون
چرائی دارد . در مین ما از ... هنگامیکه
امریالیست ها سرزمین ما را پاره پاره
کردند و سلطه خود را بر گوشه و کنار
آن گستراندند ، هجوم تمدن بیگانه باستانی
در میان مردم ایجاد کرد که از فرهنگ ملی
ما نشأت می یافت فرهنگ ملی که از
هزار و چند صد ساله پیش خمیر مایه
اصلی آن را آموزشهای والای اسلامی ساخت .
بیگانگان در برخورد با این سد سدیدقت
نظامی خود را کافی نمیدیدند و توطئه های
گوناگون را برای درهم شکستن سدی که
در برابر آنها قرار داشت آغاز کردند و
این مردم هم با تکیه به همین سنگر بود
که در برابر هجوم امریالیسم ایستادگی
میکردند ، شما اگر برگزیده های گذشته تاریخ
یکصد و پنجاه ساله ایران را ورق بزنید .

خواهید دید چه ایستادگی های درخشانی
در برابر این هجوم شده است و همه این
ایستادگی ها همانگونه که گفتیم با تکیه به
فرهنگی بود که از آرمانهای دینی و ملی
مایه میگرفت .

از هنگامیکه مردم تبران به رهبری یک
روحانی بیدار دل در برابر تحمیل های
قرارداد ننگین تسرکمانچای با یا خاستند
و سفیر روس را که میخواست حتی در
کنج خانه های مردم راه تجاوز بپوید ، از
میان برداشتند سپس دفاع از دولتمردی
همچون امیر گبیر در برابر خود سوری
پادشاه نادان و جوان ، که بعدها دیدیم چه

دروغ و فریب در خط سیری ما را قرار
دادند که هیچ گاه به جلو نرفتیم
سرانجام مردم ایران با جنبش بزرگی که
به انقلاب شکوهمند ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ انجامید
زیر رهبری مردی بزرگ همچون امام خمینی
فرصت یافتند که میهنی آزاد و دارای
استقلال داشته باشند . در این رهگذر
و در این پیکار ملت ما آسیب های بسیار
دید ، یکی از این آسیب ها زائیده آموزش
های غلطی بود که سالیان دراز داده بودند
تا مردم را از ارتش جدا کنند و ارتش را

توطئه خلیج فارس را تهدید می کند

و در میان کسانی که دیروز در نقش جدا
از مردم قرار داشتند سیمانی میکنند که
این انقلاب نمیتواند در برگرنده آرمانهای
شما باشد . بگذارید صریح تر سخن
بگویم . آرمان هائی که دیروز ... به شما
آموخته میشد آرمانهایی برای ایران و برای
حفظ استقلال این سرزمین نبود . پوسته ای
فخیم از تبلیغات داشت ولی همه وعده
در خدمت یک فرد و در خدمت یک گروه
چیاولگر قرار داشت .
بنظر من واحد های ارتشی ، نیرو های
دریائی و هوائی و زمینی هرگز نباید که

می کنند نظم آگاهانه همان اطاعت کورکورانه
است که در برابر سربازان درجه داران و
افسران ارتش هر دستور غلطی را که
دادند باید اطاعت کنند آنها هم سخت در
اشتباه هستند . امروز ارتش ایران در حال
بازسازی است و خوشبختانه در بسیاری از
گوشه ها با سرعت و قدرت این بازسازی
صورت میگردد امروز ما وظیفه داریم همه با
هم دست در بر سینه کسانی بزنیم که
سعی میکنند بر نقطه های ضعف تکیه کنند .
تخم نفاق در میان مردم پیاشارند ، ممکن
بود در خط سیر انقلاب با آن قدرت جهانی



داریوش فروهر در جمع افسران ، درجه داران و کارکنان نیروی دریائی گفت: در جهان امروز تصور اینکه ملتی بتواند دارای استقلال و آزادی باشد ولی ارتش نداشته باشد تنها در مفرزگانی که به آرزو بروی های نادرست خود گرفته اند جای می گیرد.

نهادی رودروی مردم بسازند ارتش هادر
همه جای دنیا تکیه بر مرز ها ، تکیه بر
استقلال و تمامیت ملتها بوده اند ولی در
ایران کوشیدند آن را بصورت واحدی برای
سرکوبی ، برای کوبیدن مغزها در آوردند
و نظام گذشته از این رهگذر بزرگترین
آسیب رابه مین زد . آسیبی که سالیان
دراز ما... باید بتوان آنرا بپردازیم . امروز
اگر در گوشه و کنار این سرزمین توطئه
هایی میتوان شکل بگیرد . اگر نگرانی

در برخورد های داخلی دخالت کنند چرا
که از آن همه مردم اند هه مردم ... دارای
هر اندیشه نیکو بود . باید آنها را ستایش
کنند و آغوش آنها پناهاگاه استوار نیروهای
ارتشی ما باشد .
پس بهتر است که فقط در گارهای
داخلی نیروهای انتظامی دخالت کنند تا
اگر جنبشهای پدید می آید ، اگر فاصله
هایی هم پدید می آید یک کار داخلی و
درونی تلقی شود نه فاصله با کسانی
باشد که برای دفاع از هستی این مردم
نیاز به محبوبیت آنها وجود دارد . بیسر
حال آن گذشته ، گذشته است . خوشبختانه
در انقلاب اسلامی ملت ایران این بیداری
وجود داشت . رهبر انقلاب این درایت را
داشت که از همان فرای انقلاب به سر
این حرف درست بایستد که ما به ارتش
نیاز داریم . آنرا پشتیبانی کنیم . و آنرا
نیرومند سازیم .»
این دلیل آن نبود آنها که به آلودگیهای
گذشته کس در داده بودند نباید از
این ارتش جدا شوند و آنها که دست به
جنایت زده بودند نباید که بگیرد برسد و
دشمنان در همین نقطه احساس کردند
فرصتی برای ستمپاشی و تفرقه افکنی دارند.
ولی گذشته زمان نشاء داده است که در
اینجا همه چای برای تفرقه افکنی نیست . شما
کدام افسری را می شناسید که به گفر
رسیده باشد جز اینکه دستش به خون مردم
آلوده باشد؟ پس آنچه از دست رفته بنظر
من باید از دست میرفت . نه تنها در این
زمینه ، که در زمینه های دیگر در برابر آن
اطاعت کورکورانه از دست رفتن آنرا
کسانی اشک تمساح می ریزند بی نظمی هائی
که با کمال تاسف در گوشه و کنار ، در
میان نیروهای ارتشی ما پدید می آید به پای
از میان رفتن اطاعت کورکورانه می گذارند .
کسانی که سلسله مراتب را می شنکنند ،
کسانی که فکر میکنند ارتش همانند سایر
نهادهای است که میشود هر روز در
شورا بازی در آورد و سرنوشت دفاع از
یک سرزمین را به حرف و گفتگو گذارند
سخن در اشتباه اند اما کسانی هم که فکر

اختناق ، جدا بودیم اما امروز همه سدها و
همه خطها و مرزهایی که ما را از هم جدا
میکرد درهم شکسته شده است و امروز
برای دفاع از ایران ، برای ساختن آینده
این سرزمین من و هر فرد ایرانی غیر
نظامی همان اندازه وظیفه دارد که شما
در ارتشی دیگر وظیفه دارد . بیاد بیاورید
در چه زمانی بسر می برید این ناهمبندی ها ،
این دلسردی های آزاردهنده را که چشم امید
ملتی را به تیرهگی و تاریکی می کشاند باید
از میان برداریم .
گفتم: آنچه از دست رفته است باید
از دست میرفت ، تا من و شما ، ما و شماها
یکی باشیم و همه بیک چیز بیاوریم به
خاطر یک هدف گام برداریم و در یک آرزو

جبهه ملی

چیزی بود که از ما گرفته بودند ، گفتیم:
به خود اندیشیدن ، از خود مایه گذاشتن ،
جدول ارزش های خودی داشتن ... ایسن
بزرگترین پایگاه استقلال ملی است . امروز
در این سرزمین دیگر این امریکائی نیست .
این انگلیسی نیست این روسی نیست که
سرنوشت ما را تعیین میکند این ایرانی
است که سرنوشت ایسراان را
می سازد در چنین حالتی باید توجه داشته
باشید وظیفه ما بسیار سنگین تر از گذشته
است و در انجام وظیفه ... هیچ دغدغه
خاطری نباید داشته باشیم . آنسپاکی که از
انقلاب این تصور را داشتند که یک روزه
بتواند همه چیز را تغییر دهد اشتباه
بزرگی میکردند . انقلاب گذشته از اینکه
ویژگی خاصی داشت یعنی از میان توده
مردم برخاست بود جوشی داشت که
نتوانست در یک برناه روزی کالی کادر لازم
را پدید بیاورد و در نتیجه برودت کس
از انقلاب نابسامانیهای بسیار پدید آمد .
هر انقلابی ویژگی بهیم ریختگی خود را در
آغاز کار دارد اما در همه جای دنیا وقتی
انقلاب بزرگی رخ داده است . تنها یک چیز
توانسته است آن ملتها را از برهروی انقلاب
بیرون بیاورد و آن کار شبانه روزی
بوده است در دنباله انقلاب حتی هر چند...
ویرانگر همه نیروی ملت در راه سازندگی
بسیج میشود ملت های جنگ زده تعطیل
نشناخته اند ، استراحت نشناخته اند لاسردی
پیدا نکرده اند و همه چیز خود را بساز
ساخته اند ، شما به کشوری همچون فرانسه
نگاه کنید که انقلاب بزرگ داشته اند وقت
کنید به پیشینه چه اندازه کار انجام شد تا
توانسته اند آسیب های انقلاب را از اطراف
خود بدور کنند بشکوری مانند آلمان نگاه
کنید که در پایان جنگ هیچ چیز نداشت
و امروز در سایه اراده ملی همه چیز دارد
بی آنکه بخواهم جنگ را با انقلاب خیلی شبیه
کنم زیرا آن در برابر یک بیگانه انجام
گرفته است ولی این د برابر یک عده
دشمن داخلی وابسته به بیگانه اها همانندی
های بسیار میتوان در آن یافت ، آنروز که
آلمان شکست خورد ، نه کارخانه های سه
کشتزارای ، نه سازمان اداری وجود داشت

**آنچه از دست رفته است باید از دست
می رفت ، تا من و شما - ما و شما یک جا
باشیم و همه به یک چیز بندیشیم**

شما دوخته است که در این لحظه های
تاریخی چگونه تصمیم بگیریم و چگونه
واکنش نشان میدیم و چگونه در بازسازی
همه چیزهایی که از دست رفته گذارده اند ،
کوشش میکنیم ، دشمن میگفت که من در
کسانی هستند راه میافتند و میگویند که
انقلاب اسلامی ملت ایران نیاز یه وجود
ارتش با چنین نیروهایی ندارد و اشتباه
کاری بزرگی را سعی میکنند با تبلیغات
وسیعیه در مغزها جا بدهند ولی همانطور
که گفتم رهبری انقلاب این حقیقت را
دانسته است و تصمیم لازم برای نیرومندی
ارتش بخاطر دفاع از استقلال و تمامیت
ایران گرفته شده است امروز اگر این
توطئه های گوشه و کنار بدون پاسخ بماند
ما ابتدای نسخه ای داشت تما شبیم
چگونه آنرا خواهیم ساخت من بعنوان یک
سرباز قدیمی نهضت ملی ایران که در
انقلاب شرکت کرده است از شما افسران ،
درجه داران ، و سربازان نیروی دریائی
جمهوری اسلامی ایران خواهش میکنم
آینده ایران بیاندیشید همه بدراشا بنای
نفاق را بدور بزنید و با همبستگی کامل در باز
سازی نیروهای خود با دلگرمی هر چه
بیشتر بکار بردارید ، نظم لازم را به نیرو -
های خود بازگردانید زیرا آینده ایران در
نیرومندی ارتشی است که با جدول ارزش -
های جدید در فرهنگ ملی ما نیرو گرفته
از اسلام بازسازی شود .
مردم و بیان نبرد رفته است .
چه مدت گذشت هیچ نمایانم
فقط دوباره که چشم گشودم حسین
مکی و دکتر معظمی را بالای سرم
دیدم که مژه بیروزی مردم را دکتر
معظمی داد و گفت که خوشحال و
سر بلند باش که دادگاه لاهه هم به
نفع ما رای داد . نزدیک دو هفته
دو بیمارستان بود و چون تعداد
من خود را به بیمارستان رسانده
و پس از دیمارم دوباره به میان

**برای ادامه کار شریان های حیاتی مان
باید در خلیج فارس نیرو مند باقی بمانیم**

بسر برویم . پس برای سازندگی باید دست
در دست هم داشته باشیم توجه داشته
باشید امریالیستهایی که این سرزمین را
همچون خوان یقما تصور میکردند وسالیان
دراز بر سر این خوان یقما نشستند بودند
و هرچه میتوانستند می بردند باین سادگی
دمت از توطئه نخواهند کشید . ارتجاع
داخلی که این سرزمین را تیول خود کرده
بود هرگز باین سادگی دست از توطئه
برنخواهد داشت و اگر ما همه با هم همچنان
کس رهبر انقلاب این روزها هشدار
میدهند حرکت میکنیم اگر وحدت کامل
یکبار دیگر چهره درخشان خود را نشان ندهد
روزگار پشیمانی فرا خواهد رسید . به
گذشته برمیگردیم . بیاد میاوریم هنگامیکه
نفت را ملی کردیم و امریالیستها در صدد
قدرت نمائی بودند نه تنها مردم ایران یک
پارچه بسیج برای ایستادگی بودند بلکه
وقتی ناو «موریس» در کنار آبساران
ایستاد تا ایران را تهدید کند ایسن تنها
کارگر آبادانی نبود که احساس می کرد
وظیفه دارد ، همه نیروهای ارتشی ایران
اصابت گلوله قرار گرفتیم و هنگامی
که چشم گشودم خود را در سردی
خانهی بیمارستان سینا میان تعدادی
نیمه جان و شهید یافتیم . در ورودی
سردخانه از پشت بسته بود و
هیچ راهی برای خارج شدن نداشت
ناگهان پاسبانی از پنجره به داخل
سردخانه پرید ، من با چوبی که
نزدیک دستم افتاده بود محکم به
زمین گفتم و او وحشت زده از آنجا
گریخت ، چندی نگذشت افسری پای
به داخل گذاشت ، این بار به پای

شعلاهای تابغراد گذاشت!!
در بالای بام ساختمان وزارت فرهنگ
تعدادی پلیس که کمین کرده بودند
ما را در حال فرار زیر رگبار گلوله
گرفتند . آن روز پلیس بسه دو
بخش تقسیم شده بود سواره
و پیاده . پلیس پیاده به زانو
می نشست و هدف گیری میکرد و
پلیس سواره ، از بالا مردم را از
پای در می آورد من در حالی که می -
گوشیدم دوستی را که زخمی شده
بود از میدان بدر برم خود مورد

**کسانی که فکری کنند ارتش هم مانند
سایر نهادها است که هی شود هر روز در
آنجا شورا سازی در آورد و سر نوشت
دفاع در یک سرزمین را به حرف و گفتگو
گذارند ، سخت در اشتباهند**

هست که دست آوردهای انقلاب ممکن است
دستخوش هوسهای امریالیستها و ارتجاع
داخلی گردد ، برای این است که ما نیروی
لازم دفاع کننده از مرز های مان آسیب
دیده است و همانگونه که در هر انقلاب
دوران پس از انقلاب ، یعنی دوران سازندگی
برای هر گروه اجتماعی وظیفه های خاص
پدید می آورد در دوران سازندگی انقلاب
اسلامی ملت ایران هم برای نیرو های
۳ گانه ارتش ، وظیفه های خاصی وجود
دارد . بسیاری کسان ناگهانانه بگذشته
چسبیده اند . به روزگاری که نمیکذاشتند
من و شما و همه با هم گفتگوی آزاد داشته
باشیم . نمی گذاشتند احساس کنیم همه
از یک پوم ویر هستیم و نسبت به ایران
باید یک گونه اندیشه داشته باشیم و در
باره آینده ایران همدل و همراه و همگام
باشیم . نمیکذاشتند احساس کنیم همه
هنوز میخواهند که میان مردم ، این خط -
های جدائی افکن وجود داشته باشد و نیز
کسانی هستند که در میان شما بخصوص

روز دوشنبه مراسم تیر ساعت
عشت صبح از خانه های حزب شدم
(عباس میر عبدالباقی عضو حزب ملت
ایران است) در جلوی مسوسسه
اطلاعات نخستین برخورد مردم با
نیروی انتظامی در گرفت و شعاری
چند به شهادت رسیدند . فاصله
میدان سیه تا بیمارستان از جمعیت
خشمگین و مسموم موج میسزد در
میدان بیمارستان چنان بیرو جوان
بیم می اولدند و نظامیان وحشیانه

خاطر های از زبان عباس میر عبدالباقی
می تاخنتد . تعداد زیادی از یاران من
در آن اطراف پراکنده بودند . با هم
به مشورت نشستیم و نتیجه آن شد
که تخته های فرام گردیم و یکی روی
آن به حال مرده در آمد و با ملافه ای
سفید صحنه را طبیعی تر کردیم و
لااله الا الله گویان به سوی ساختمان
مجلس به حرکت در آمدیم هرچه
جلوتر می رفتیم صدای لااله الا الله

آخرین روزهای «سوموزا»



آناسیو سوموزا

آغاز نمی‌گردد. شایعات مربوط به خروج وی از نیکاراگوئه حکایت از واپسین ساعت‌های حیات سیاسی وی می‌نماید. او گفته است که: «من به مانند خری بسته شده‌ام که با پلنگی در حال جنگ می‌باشد.»

پرزیدنت «سوموزا» به گفته خود حتی اگر در چنک با «سندنیست‌ها» نیز پیروز شود آینده‌ای برای خود نمی‌بیند. لیکن وی اتخاذ تصمیم برای خروج را کاملاً به آمریکا واگذار کرده است. «سوموزا» اکنون در موقعیتی نیست که با مخالفین خود وارد مذاکره شود. وی ضمن اشاره به این مطلب نسبت به آینده کارهای وفادارش نیز ابراز نگرانی نموده است.

برخلاف آنچه که از پی‌آمدهای حمله‌های خونین گارد ملی انتظار می‌رفت، چریک‌های «سندنیست» مواضع جدیدی به دست آوردند و مناطق سوق‌الجیشی را از آن خود ساختند. آنها همچنین آخرین

شهر شمالی «جیناندگا» قطع نمودند. در یک تلاش مزبوحانه برای در هم شکستن نیروی محاصره‌گر چریکی در اطراف «ماناگوا» پایتخت این کشور، نیروهای «سوموزا» ساعتها سپر «اسایا» در جنوب پایتخت را زیر به‌پایان و آتش شدید خود گرفتند. این حملات هوایی متعاقباً با حمله زمینی صدها نفر از افراد گارد ملی دنبال شد. طی هفته گذشته سپر «ریواس» در جنوب که به عنوان پایتخت آینده نیکاراگوئه از سوی چریک‌ها انتخاب شده است، بدست نیروهای شورشی افتاد. بدین ترتیب پل ارتباطی قابل اطمینانی بین چریک‌ها و خط انتقال سلاح از «کاستاریکا» به آنها، به وجود آمد.

در این میان دولت آمریکا همچنین به منظور پیدا کردن راه حل سیاسی در اختلاف بین «سوموزا» و رهبران جناح مخالف به تلاش پرداخت. یکی از نگرانی‌های دولت آمریکا این است که با توجه به افکار چپ‌گرایانه دولت منتخبی چریک‌ها، کوبایی دیگر در قلب قاره آمریکا بوجود آید. طرح دولت آمریکا به منظور پایان دادن به جنگ خانمان برانداز نیکاراگوئه این است: که ابتدا «سوموزا» استعفا دهد. سپس دولتی متشکل از میان‌روها، ساندنیست‌ها

از نیکاراگوئه فقط یک‌خوابه باقی مانده

نیکاراگوئه یا کوبای دوم در قاره آمریکا

مسئله ماندن یا نماندن «سوموزا» بر مسند ریاست جمهوری دیگر با اگر وشاید

یادگان گارد ملی را در شهر «ماناگوا» ویران ساختند و راه‌های ارتباطی را بست.



جسد دو تن از افراد گارد ملی در خیابانهای ماناگوا

نامه امیر عرب به مصرف کنندگان غربی

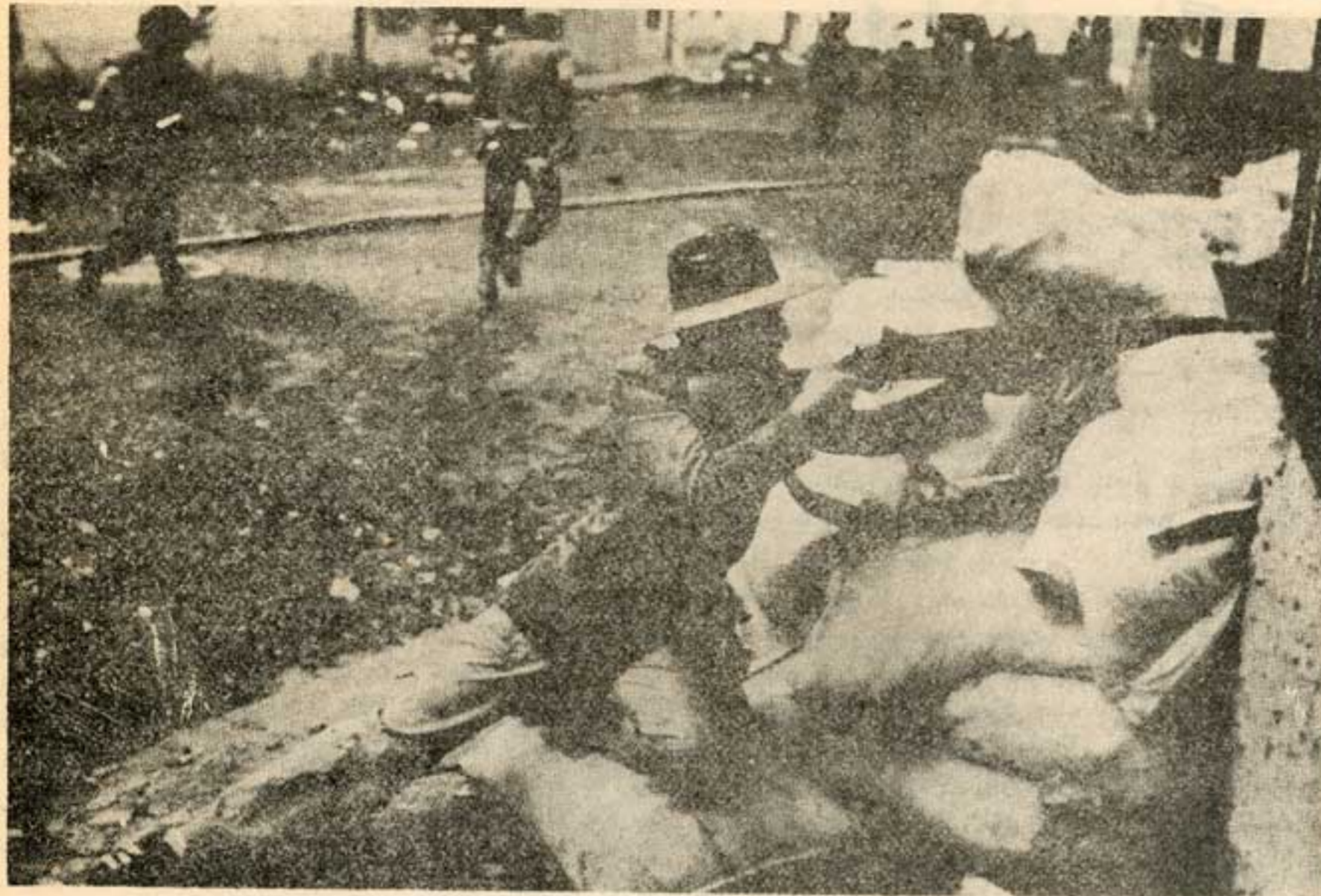
من نامم به قول شما غربیها «شاهزاده طلای سیاه» نیستم. من یک تهیه کننده ساده نفتم با مشکلاتی نظیر مشکلات تمام تولید کنندگان سیب‌زمینی، قهوه، کانوچو و غیره... با یک تفاوت: نفت من هر سال از زمین سبز نمی‌شود و هرچه از آن بردارند از مادارش کم می‌شود. بنابراین شما باید دغدغه خاطر مرا برای دراز کردن طول بهره برداری و گرانتر فروختن کالایم درک کنید. من باید معقول استخراج کنم و گران بفروشم. حال شما مصرف کنندگان لگام گسیخته نفت و گازوئیل و بنزین از من چه گله‌ای دارید؟ ناراحتید از اینکه من ثروتم را صرفاً جوئی می‌کنم و دیگر حاضر نیستم منابع محدود درآمدم را به قیمت ریختن و پاششای رسوای شما از دست بدهم.

اگر به خواسته شما تن در بدهم، ظاهراً وظیفه‌ام اینست که زیر زمین خود را از نفت خالی کنم و خرج رفاه شما را بپردازم. اما شما غربیها خودتان هم منابع نفتی و ذخائر انرژی دارید. مثلاً همین آمریکائیا اگر دلشان بخواهد می‌توانند از ذخائر عظیم نفت و گاز و ششای نفتی‌شان بهره برداری کنند. اروپائیا هم نفت بسیاری در دریای شمالشان دارند. چرا آنچه که از من می‌خواهید از انگلستان یا نروژ توقع نمی‌کنید؟ چرا نفت دریای شمال را آنها بیرون نمی‌کشند و خرج بیبودوضع اروپا نمی‌کنند؟

چطور وقتی انگلستان خود را متعهد نشان می‌دهد، وقتی نروژ تصمیم می‌گیرد تولید نفت خود را محدود کند همه از تعقل آنها تعریف و تمجید می‌کنند، اما اگر من این کار را بکنم مرا غاصب اموال عمومی

چلوه می‌دهند. چرا؟ چرا من باید کمتر از آنها عمل داشته باشم؟ البته شما برای من از قیمتها، از وضع ایران، از قطعی نفت سخن خواهید گفت. اما منم دلم می‌خواهد برداشت خود مرا از تاریخ به گویان برسانم. در پایان سال ۱۹۷۸، شرکت‌های بزرگ نفتی - یعنی شرکت‌های «شما» - تصمیم گرفتند برای شکستن قیمتها بر «اوپک» فشار وارد کنند. شیوه کارشان هم شناخته شده است. شیوه اعتصاب خرید، به موجب این تصمیم شرکت‌ها خریدهای خود را متوقف ساختند و با استفاده از ذخائر قبلی خود فکر کردند که می‌توانند قیمتی کمتر را به ما تحویل کنند. و این مدعی بود که اگر انقلاب ایران روی نمی‌داد، و جاهل‌های نفت ایران نزدیک به سه ماه بسته و ۴۰ درصد از تولید جهانی نفت کاسته نمی‌شد، دست یافتنی می‌بود. سه ماه در مواقع عادی مدت درازی نیست. اما سه ماه تشنج، در زمانی که ذخائر شرکت‌های نفتی کمتر از حد معمول است، بسیار طولانی و جدی می‌نماید. این دوره دوره آشفتنی و هول زدن برای خرید نفت در سطح جهانی، مخصوصاً در کشوری بود که بیش از همه به نفت ایران بستگی داشتند: آفریقای جنوبی و اسرائیل.

در اینجا بود که اوضاع تغییر جهت داد. شرکت‌های نفتی ملاحظه کردند که کمبود ۴ درصد نفت ایران در بازار بین‌المللی شرایط لازم برای بهره برداری بیش از حد آنها را فراهم کرده است. کافی بود نفت تولید کنندگان - یعنی ما - را به قیمت اوپک بخرند و آن در بازار سیاه یا بازار های مترادف با شرایط عرضه



یک چریک ساندنیست

طرفداران «سوموزا» بوجود آید. لیکن چریک‌ها طرح پیشنه‌های آمریکا را رد کرده و گفتند که سیاستمداران میانه‌رو نیز از هواخواهان «سندنیست‌ها» می‌باشند، ثانیاً اینکه جنگ داخلی نیکاراگوئه صرفاً یک مسئله داخلی می‌باشد.

به هر صورت، دولتی که در آینده در نیکاراگوئه بر روی کار می‌آید وارث ویرانه‌های پیش نیست. نیکاراگوئه امروزه کشوری است که دست به گریبان قطعی، قتل و غارت و بحران اقتصادی است. تنها سیل میلیونها دلار به سوی این کشور می‌تواند به‌احیای آن کمک نماید. صنایع بزرگ کشور که در کنار شاهراه «پان‌امریکن» ساخته شده‌اند همگی بر اثر بمبارانهای نیروهای

«سوموزا» به منظور از بین بردن کمپهای چریک‌ها، ویران شده‌اند. لیکن از این صدمت کشاورزی نیکاراگوئه است که سخت درخطل نابودی قرار گرفته است محصولات کشاورزی که ۸۰ درصد صادرات کشور را به خود اختصاص داده بود از بین رفته و در کشت سال دیگر نیز به علت جنگ و قله‌های غیر قابل جبران بوجود آمده است.

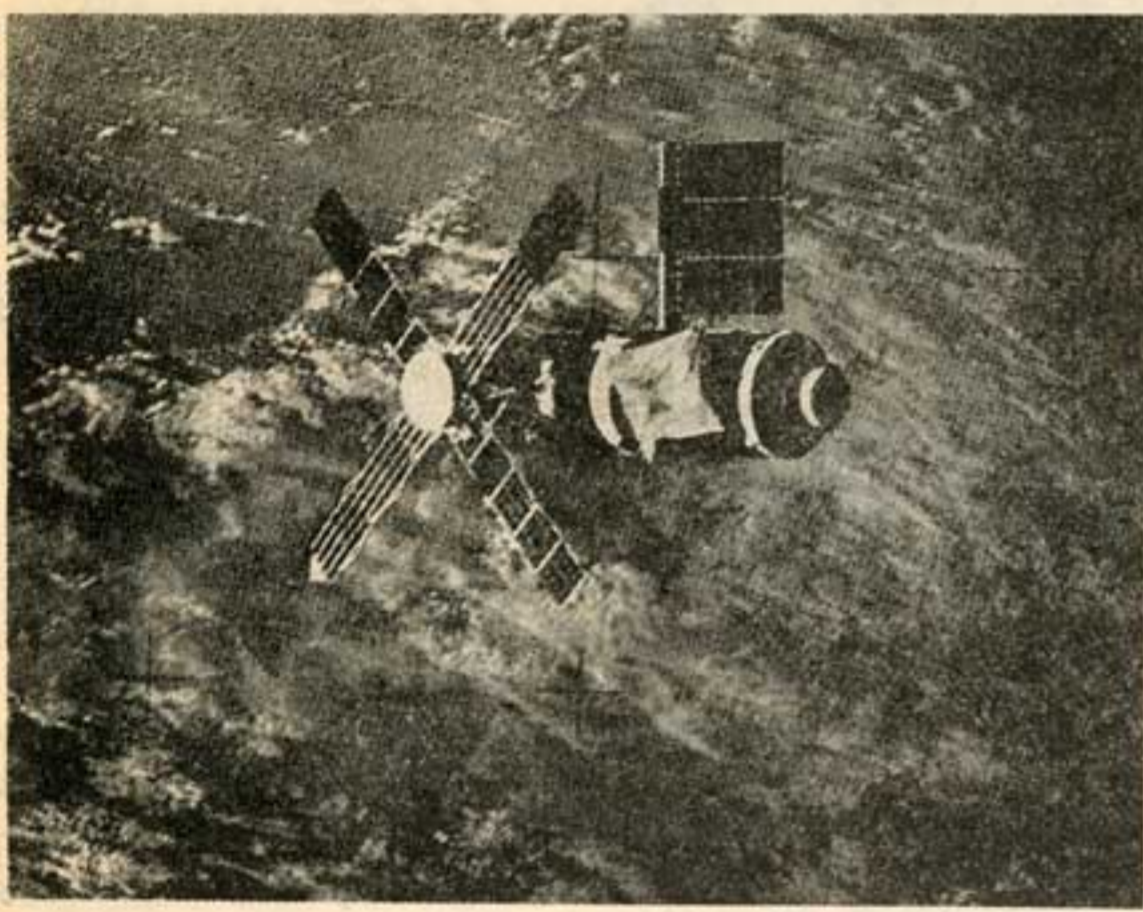
از سوی دیگر تعداد کشته شدگان این تراژدی بزرگ را به غایت خود می‌رسانند. طبق آمار صلیب سرخ تاکنون ۱۵ هزار نفر کشته و ۶۰۰ هزار نفر بی‌خانمان گشته‌اند. امروزه هرساکن نیکاراگوئه اگر توانایی خرید بلیط هواپیما را داشته باشد، کشور را ترک می‌کند. هزاران نفر از

افراد ثروتمند این کشور با ویزای توریستی به آمریکا رفته‌اند. لیکن بسیاری از آنها می‌گویند که فقط در انتظار پایان بحران می‌باشند تا به کشور خود بازگردند.

راهبرز یکی از اعضای اصلی حزب «چونتا» می‌گوید که دولت موقت بازسازی ملی فقط تا وقتی که یک حکومت دیموکراتیک بوجود آید برسر کار خواهد ماند که از پنج سال بیشتر نخواهد بود. لیکن سائسر نسخه‌های «چونتا» برای درمان بیماری‌های این کشور بسیار گمک و نامفهوم می‌باشد. تاکنون مسئله‌ای که همه برسر آن هم‌زبان هستند این است که پس از پیروزی اموال «سوموزا» در کشور که سر به ۵۰۰ میلیون دلار می‌زند باید مصادره شود.

جهان یک‌هفته در اضطراب بود

خطری که از سر مردم دنیا گذشت



هفته آینده دنیا با دلی آکنده از ترس، ششم و تعجب شاهد سقوط بزرگترین ماشین مصنوع بشر بود. آزمایشگاه فضایی «اسکای‌لب» که بیش از ۷۷ تن وزن دارد طی چندین روز گذشته وارد جو زمین شد با سرعتی سرسام‌آور به زمین رسید. در میان قطعات کوچک و بزرگی که از سوختگی ناشی از اصطکاک جان سالم بدر برد، ۵۰۰ قطعه کوچک و بزرگ با سرعت متوسط ۴۰۰ کیلومتر در ساعت به زمین رسید. بدین ترتیب دهمین سالگرد سفر بشر به کره ماه با پذیرایی از این گولهای آهنی جشن گرفته شد.

با وجود داشتن بهترین دستکاران در دنیا و بیچنده‌ترین سیستم‌های کامپیوتری و الکترونیکی، دانشمندان هوا - فضایی آمریکا نتوانستند در مورد محل سقوط این قطعات آهنی نظری دهند. تنها برآورده این سازمانها این بوده که سقوط در منطقه‌ای بین نصف‌النهار ۵۰ درجه شمالی و نصف‌النهار ۵۰ درجه جنوبی که وسعتی برابر با ۱۵۰ میلیون کیلومتر مربع است، انجام می‌شود.

مسئولان سازمان هوا - فضاوردی آمریکا از شش سال پیش این واقعه را پیش‌بینی نمودند. آنها اضافه نمودند که

زمین به هیچوجه در معرض این حادثه قرار نمی‌گیرند. تا چند روز پیش که قساره استرالیا شاهد زمین فرود آمدن این سفینه بود خوشبختانه «اسکای‌لب» در قسمت غیر مسکون استرالیا زمین خورد و خطرات جانی ببار نیامورد.

تا قبل از سقوط این غول فضایی افرادی که به مراکز فضایی آمریکا تلفن می‌زدند بیشتر يك سؤال می‌کردند و آن این بود که قطعات آزمایشگاه به پانده آن تعلق دارد یا جزو املاک دولت می‌باشد. بعضی نیز این سؤال را داشتند که چرا دولت آمریکا آزمایشگاه فضایی خود را قبل از ورود به جو با هوشی از بین نمی‌برد ولی در جواب شنیدند که این بر خلاف قوانین بین‌المللی

است. هفته گذشته در یک پیغام رادیویی بیش از چهل میلیون شنونده را دعوت به تورکز لکری به روی «اسکای‌لب» نمود تا آن را بدین وسیله به مداری بالاتر انتقال دهند. لیکن با وجود چنین فکر مثبتی این غول فضایی به سقوط خود ادامه داد!

خوشبختانه این تراژدی بزرگ «باتهام» ابعادی که می‌توانست به خود بگیرد با حداقل خسارت مالی پایان یافت. اما این واقعه که به دنبال حادثه خونین «دی. سی. ۱۰» در شیکاگو و حادثه نیروگاه اتمی پنسیلوانیا، اتفاق افتاد این پرسش را در ذهن آدمی بوجود آورد و آن اینکه عواقب تکنولوژی که با این شتاب سرسام‌آور در حرکت است چیست؟



این قطعات در مساحتی به طول ۶۰۰۰ کیلومتر و عرض ۱۵۰ کیلومتر سقوط خواهند کرد که با توجه به سطح پوشیده از آب زمین و مناطق غیرمسکون زمین احتمال برخورد این قطعات با انسان ۱ به ۱۵۲ می‌باشد. لیکن فقط ۱۰ درصد از ساکنین

جبهه ملی ایران

صاحب امتیاز: مهندس حسین اخوان
سردبیر: پروانه فروهر
زیر نظر شورای نویسندگان
خیابان سیند شماره ۲۶ - طبقه سوم
تلفن: ۸۹۲۰۲۱
چاپ خوشه ۳۱۸۵۶۴-۵

آنچه در زیر می‌آید متن کامل گزارش کمیته‌های باستانشناسی و ایس‌ران باستان است که از سوی اعضای این کمیته‌ها به مجمع مشاوره و تبادل نظر دربارهٔ فرهنگ ایران فرستاده شد. این دو گزارش به تکات و مسائل بسیار مهمی در زمینهٔ میراث باستانی اشاره دارد که لازم است در تدوین سیاست فرهنگی ایران مورد توجه قرار گیرد.

گذشته از توجه و فعالیتهای پراکنده‌ای که توسط افرادی علاقمند به آثار تاریخی در دوره قاجاریه به‌عمل آمد و تعدادی از بناهای مهم قدیمی به همت افراد خیر و علاقمند به حفظ آثار ملی مرمت و ازخطر انهدام نجات یافت ولی بطور رسمی برای اولین مرتبه در سال ۱۲۹۷ شعبه عتیقات در عمارت قدیم وزارت معارف (ساختمان دارالفنون) دایر شد و بعد بصورت دائره عتیقات جزو دوایر ادارهٔ کل معارف درآمد که در بند اتاق عمارت مسعودیه در محل حوزه‌مرکزی وزارت فرهنگ و هنر انجام وظیفه مینمود این اداره در سال ۱۳۱۵ به‌عمارت موزهٔ ایران باستان منتقل گشت و بعد از مدتی کوتاه بنام ادارهٔ کل باستانشناسی موسوم گردید و در حقیقت رسیدگی و انجام کلیهٔ امور مربوط به آثار باستانی اعم از منقول و غیرمنقول بمعهد این ادارهٔ کل محول شد. در سال ۱۳۰۹ قانون حفظ آثار عتیقه از تصویب مجلس شوراملی گذشت و در سال ۱۳۱۵ اشیاء موزه ملی که در سال ۱۲۹۵ شمسی تاسیس شده بود به بنای قبلی موزهٔ ایران باستان انتقال یافت و در حقیقت موزهٔ ایران باستان به صورت امروزی تاسیس گردید.

ادارهٔ کل باستانشناسی امور حفاری تجارثی و درتقسیم و در قانون پیش‌بینی شده بود زیرنظر داشت منتهی در آن‌موقع در هردو مورد بیشتر توجه به کشف و دسترسی به اشیاء عتیقه و متاسفانه خارج کردن آن از مملکت بود اجازهٔ حفاری علمی متحصرا به هیئت‌های خارجی داده میشد آتم بدواینکه نظارت دقیق و عملی در کار آنها بشود.

اجازهٔ حفاری تجارثی برای به دست آوردن اشیاء عتیقه به اشخاص مترفق‌وگذار میشد و بطوریکه سوابق امر نشان میدهد از مرکز نماینده‌ای همراه صاحب اجازه به محل میرفت و گاهی به همدار فرهنگ محل مینوشته نماینده‌ای را معین کنند که بکار حفاری نظارت نموده در خاتمه کار بفرست اشیاء مشکوفه را تهیه و بفرستد. برای خرید و فروش اشیاء عتیقه هیچگونه ضابطه‌ای اعمال نمیشد و بندرت

میراث فرهنگی ایران را دریابید

مقاله و جمع‌آوری مدارک به فولکلور و مردم‌شناسی می‌پردازد. ادارهٔ باستانی فنی که مرکزی جهت جمع‌آوری مدارک و اسناد مربوط به امور باستانشناسی و فرهنگ عامه محسوب می‌شده.

اداره کسل موزه‌ها و حفظ بناهای تاریخی نیز از سه اداره تشکیل شده بود. ادارهٔ حفظ بناهای تاریخی که وظیفه مرمت و حفاظت بناهای تاریخی را عهده‌دار بود.

ادارهٔ اموال که کلیه اموال منقول حاصله از حفاریها و موجود در موزه‌ها را در دفاتر مخصوص ثبت و ضبط نموده و اقدامات قانونی جهت نقل و انتقال آنها را انجام میداد.

ادارهٔ موزه‌ها که مسئولیت امور کلیه موزه‌های کشور را به عهده داشت ولی برائی توجه علاقه‌مندان به اموری باستانشناسی بالاخره در سال ۵۰ مطالعه و تجدید نظر در سازمانهای مسئول امور باستانشناسی کشور شروع و در سال ۵۱ (ادارهٔ کل باستان شناسی و فرهنگ عامه، اداره کل موزه‌ها و حفظ بناهای تاریخی) منحل و بجای آنها ۴ واحد تاسیس گردید (که البته توسعهٔ بیش از حد واحدها نیز نتیجهٔ سیاست کلی دولت‌های وقت بود).

۱- مرکز پژوهشهای باستانشناسی که بعداً در خلاف جهت هدف اولیه از لحاظ وظیفه به مرکز باستانشناسی ایران تبدیل شد.

۲- مرکز مردم‌شناسی ایران.

۳- ادارهٔ کل حفاظت آثار باستانی و بناهای تاریخی.

۴- ادارهٔ کل موزه‌ها. بعداً در جهت سیاست همیشگی رژیم و بدون احساس چنین ضرورتی ساختمان واقع در میدان آزادی که تابع ادارهٔ کل حفاظت آثار باستانی بود نیز به واحد جداگانه و مستقلی با صرف هزینهٔ زیاد تبدیل گردید و در همین سالها بود که برای گسترش باز هم بیشتر شاخهٔ معاونت پژوهش و حفظ میراث فرهنگی آثار باستانی تحت چمبید در استان فارس نیز از ادارهٔ کل فرهنگ و هنر آن استان مجزا و بنام بنیاد تحقیقات خفامتشی به صورت واحد مستقلی شروع بکار نمود که اثرات نامطلوب آن با وقایع اخیر و هرج و مرج حاکم بر امور تحت چشمید کاملاً مشهود

۱- ادارهٔ باستانشناسی که امور حفاریها و بررسیها و سایر امور مربوط را انجام میداد.

۲- ادارهٔ فرهنگ عامه که به امر

میراث فرهنگی ایران را دریابید

میراث فرهنگی ایران را دریابید. لازم به تذکر است که در سال ۱۳۴۵ سازمان ملی حفاظت از آثار باستانی ایران برای تعصیرات بناهای تاریخی و آموزش مردم در زمینهٔ شناسائی آثار باستانی تاسیس و شروع بکار نمود.

پدیده‌ی است فرهنگ ازواحدهای مذکور در فوق در طول حیات خود فعالیتهائی نموده و طرحهایی را بمورد اجراء در آورده‌اند که برای ارزشیابی کارهای انجام شده توسط فرهنگ از این واحدها بایستی، به کارنامه فعالیتهای آنان مراجعه نمود ولی آنچه مسلم است این وضع با پیروزی نهضت مقدس اسلامی ایران و برقراری جمهوری اسلامی رعایت صرفه جوئی در همهٔ زمینه‌ها نمی‌تواند ادامه یابد و بایستی با تجدید نظر در شکل ظاهری و محتوای برنامه‌های تشکیلات و سازمانهایی متناسب با احتیاجات و هماهنگ با مصالح آثار ملی و مذهبی کشور بپردازد.

تاریخ، زبان و فرهنگ ایران رامعمولا به دو دورهٔ پیش از اسلام و اسلامی تقسیم میکنند. هرچند ممکن است این تقسیم‌بندی گویای بخشی از واقعیات تاریخی و فرهنگی باشد، ولی در واقع زبان و فرهنگ کهنسال ما رسته‌ای به هم پیوسته است که ازدوران تمدن مشترک هند و ایرانی آغاز میگردد. دوره‌های تمدن «اوستائی - ساسانی - صفاتی» و «اسکانی - ساسانی» را فرا می‌گیرد و در دورهٔ اسلامی با ساخت و دیدی تازه ادامه می‌یابد.

زنده بودن و ادامه یافتن این زبان و فرهنگ درست از آن دوی بوده است که هرگز پیله‌ای به گرد خویش نتینده و در طی دوران دراز تحول و تکامل خود توانسته است با زبان و فرهنگ بومی این سرزمین ؛ازبان و فرهنگ آسیائی غربی و مدیترانه‌ای کهن و با زبان تازی و با فرهنگ اسلامی درآمیزد و خود را با جهان‌های تازهٔ اقتصادی فکری و فرهنگی هماهنگ سازد و هرزمان با خونی تازه زنده‌ی خود را نیروی تازه بخشد.

بدین روی، شناخت درست هیچیک از مراحل زبانی و فرهنگی ملت ما و تجزیه و تحلیل عوامل سازندهٔ آنها ممکن نیست مگر این که کل واحد و مراحل قبلی و بعدی هر دوره مورد توجه دقیق قرار گیرد.

از این جمله است شناخت و تجزیه و تحلیل زبان پارسی و فرهنگ سترک و برادرچ‌دوران اسلامی ایران که رشته‌های بسیاری آنها را با زبان و فرهنگ پیش از اسلام ما پیوند می‌دهد.

توجه و تحلیل زبان و گوش‌های دورهٔ اسلامی ایران، توجه و تحلیل آئین‌ها، مذاهب، افکار عرفانی و دیگر جنبه‌های تمدن ایران اسلامی، بدون آشنائی و شناخت ژرف و درست زبان‌ها و فرهنگ باستانی ایران، هرگز درست و کامل نخواهد شد. بدین روی، گروه تمدن و فرهنگ ایران باستان برنامهٔ زیرین را به شورای عالی فرهنگ و هنر پیشنهاد میکند، تا مگر بتوان بنیانی علمی و اساسی برای پشرفت پژوهشهای همه‌جانبه در مورد تاریخ، زبان و فرهنگ ایران فراهم آورد.

برنامهٔ پیشنهادی شمهٔ گروه تمدن و فرهنگ ایران باستان در زمینهٔ مطالعات و پژوهشهای ایران باستان، شامل مسائل زیر است:

۱- زبان ۲- تاریخ تمدن ۳- فرهنگ ۴- همکاری با گروه‌های دیگری از مردم‌شناسی و جامعه‌شناسی یا در زمینهٔ زبان پارسی و گویشهای مرده و زندهٔ دوران اسلامی تحقیق میکنند.

۵- تمرکز بخشیدن و تکمیل کردن مجموعهٔ کتابها و اسنادی که در زمینهٔ مطالعات ایران باستان باشد در یک کتابخانه مرکزی که از نظر مطالعات و پژوهشهای مربوط به ایران باستان، پاسخگوی همهٔ نیازها باشد.

۶- تهیه و انتشار مجله‌ای پژوهشی خاص تحقیقات ایران باستان که بتواند همهٔ پژوهشهای ارزشمند را در این زمینه، در خود گرد آورد.

۷- ترجمهٔ آثار ارزشمند خارجی به فارسی در زمینهٔ تاریخ، زبان و فرهنگ

میراث فرهنگی ایران را دریابید

ایران باستان. ایجاد محیط مناسب برای کارآموزی و تحقیق کلیهٔ دانشجویان و کسانی که شخصا به مطالعات پیش از اسلام علاقمند باشند.

اینک به تفصیل به هر یک از وظایف بالا می‌پردازیم:

الف - گردآوردن برجسته‌ترین محققان ایرانی که در زمینهٔ زبانهای باستانی ایرانی تخصص دارند و جلب همکاری بهترین پژوهندگان با استعداد و جوانی که در این زمینه رسماً به کار مشغولند یا در آینده در ایسن زمینه تخصص لازم و شایستگی خواهند یافت.

ب - در مورد زبانهایی که در ایران هنوز مشخصی وجود ندارد (مانند زبسان ختئی) یا به تعداد کافی متخصص موجود نیست، و در زمینه‌های دیگر فرهنگی و تاریخی، باید از میان همکاران جوان ایسا دانشجویان با استعداد دانشکها یا تحصیل مناسب داشته باشند. افرادی را برای یافتن تخصص در این رشته‌ها به خارج فرستاد و وسائیل تحصیل ایشان را کاملاً فراهم آورد.

برنامهٔ چنین گروهی عبارت است از: الف - تدوین فرهنگهای کلیهٔ زبانهای ایرانی باستان. در صورت وجود چنین آثاری به زبانهای غربی، طبعاً به ترجمه آنها باید پرداخت.

ب - تدوین دستور زبان‌های ایرانی باستان.

پ - تصحیح، آوانویسی، ترجمه و بررسی کلیهٔ این متن‌ها.

ت - بررسی متن‌ها و تدوین رشته آثاری دربارهٔ زبانشناسی تاریخی زبانهای ایرانی.

ث - بررسی متن‌ها و تدوین سلسله آثاری دربارهٔ سبک شناسی متن‌ها و تاریخ ادبیات ایران باستان.

ج - در مورد دیگر زبانهای باستانی متداول در سرزمین ایران (مانند عیلامی) نیز می‌توان همین طرح را در صورت عملی بودن هر یک از موارد بکار بست.

۲- تاریخ تمدن

همهٔ افرادی که در خارج از ایران هستند ، «فرای» محسوب نمیشوند . یعنی نباید «فرای» بحساب بیایند . بگذارید با تمام مشکلات ، خستگی و کارسنگینی که‌دارید ، قدری از این گروه با شما حرف بزنم :

در روزهای گرم ایتالیا ، و بیشتر همزمان با اوایل ماه معرم، عده‌ای زیاد ازهموطنانی که بدلائل گوناگون ، نمیتوانستند بیخایان بیایند و شعار دهند ، یا در خانه‌ها ماندند و یا موقتاً راهی فرنگ شدند . برای آنها که به سفر رفتند ، انگیزه‌های متفاوتی وجود داشت :

استفاده از تعطیلات طولانی و اجباری دوران اعتصاب عمومی ، رکود کامل فعالیت‌های حرفه‌ای ، تعطیل مدارس ، موقعیت برای رسیدگی بامورد طرف‌های کاری ، در خارج ، نگرانی از جنگ داخلی و بالاخره «فران» بمقبوب کامل کلمه . سخن ازاین دستهٔ آخر هم خواهیم گفت .

همزمان با پیشرفت انقلاب ، یعنی موفقیت سریع و خارج تصور و انتظار آن و حوادث ناشی از آن ، این تعطیلات‌موقت بتدریج به اقامتی طول‌المدت و بی‌دلیل شد . بدلیل از یک طرف ، و مستدل از طرفی دیگر :

این پدیده است که در پی هر انقلابی در دنیا . دوره‌ای بوده است و ما نمیتوانیم جدا از آن باشیم . تنها گرفتاری نیست که اتفاقات ن تصمیمات و شایعات - و همچنین تهدید ها ، بحسابرسی‌های شخصی و بالاخره اخباریکه بگوش میرسد ، باعث نگرانیهای شدید و عدم اطمینانی شده‌است که گروه مورد بحث ، در نهایت ناراضانی و بر خلاف آرزو و امیالشان ، روزگار راه «وقت کشی» و بطالت به شب میرسانند .

تاسف در اینجا است که اکثر این افراد تحصیلکرده و بیشتر تحصیلکرده‌های خارج و عموماً بدلیل طول مدت اشتغالشان دارای تجربه و تخصص حرفه‌ای هستند . آقای نخست‌وزیر من از «فراریان» با

جنبه ملی

الف - تهیه و گردآوری کلیه متن‌هایی که مربوط به تاریخ ایران باستان و ملل همسایه آن باشد.

ب - بررسی اجتماعی ، اقتصادی ، فرهنگی و سیاسی هر یک از ادوار تاریخ ایس‌ران باستان. چنین بررسی ازادوار پیش از تاریخ آغاز و به فرا رسیدن اسلام ختم میشود.

پ - بررسی روابط اقتصادی ، اجتماعی و سیاسی ایران باستان با ملل همجواری و تاثیر تمدن ایران بر تمدن جهانی و برعکس.

۳- فرهنگ

الف - بررسی دین‌ها، آئین‌ها، اساطیر، افسانه‌ها و حماسه‌های ایرانی و ملل همجوار و ریشه‌های فرهنگ ایرانی و تحول آنها.

ب - بررسی تاثیر فرهنگ ایس‌ران باستان بر فرهنگ های همجواری و بر فرهنگ دورهٔ بعد، یعنی تمدن اسلامی.

۴- همکاری با گروه‌های دیگر

دانش در زمان ما کلی است پیوسته و هیچ رسته‌ای از دانش نیست که مستقل از رسته‌های دیگر باشد. نهادها پژوهندگان زبان‌ها و فرهنگ پیش از اسلام ایس‌ران نیازمند تحقیقات باستان شناسان و مردم شناسان هستند، بلکه همهٔ کسانی که در این زمینه‌ها نیز کار میکنند نیازمند مطالعات هستند. بدون این همکاری نزدیک هیچگاه نخواهیم توانست مستقل از دیگران و پژوهندگان زبان‌ها و فرهنگها و ایران باستان تحقیقات آنان به‌کار بیاوریم.

همچنین است نیاز متقابل پژوهندگان زبانهای ایرانی باستان و پژوهندگان زبان پارسی و گویشهای زنده و مرده اسلامی.

بدین روی، باید ترتیبی داد تا در کنفرانسیا و سمینارهای مرتب و مشخصی این تبادل اطلاعات انجام پذیرد. همچنین باید ترتیبی داد که همکاری عملی نزدیکی نیز میان همهٔ این گروه‌ها پدید آید.

۵- کتابخانه مرکزی

همانگونه که تمرکز این پژوهشها قدرت و امکانات هرچه بیشتری به امر پژوهش ما میدهد، وجود یک کتابخانهٔ مرکزی و کامل نیز می‌تواند به پیشرفت هرچه بیشتر کار یاری رساند.

اگر بدید آمدن چنین کتابخانه‌ای از تلفیق کتابخانه‌های موجود ممکن باشد ، باید چنین کرد، در غیر این صورت، باید برای پدید آمدن چنین مرکزی مستقل اقدام جدی نمود. در سه مورد بعدی توضیحی چندان اضافه به‌نظر نمی‌رسد.

نامه یک ایرانی ازدیبار فرنگ آقای بازرگان ...

شما حرفی نمیزنم . ایندسته کسانی بودند که در دوران هرج و مرج آریام‌بری بارشان را بسته بودند و راهشان بسوئی برگزیده، فا بهرحال غیبت آنها از ملک و دوریشان از ملت ، مفیدتر از حضورشان است . من از آنده‌ست با شما سخن میگویم که اگر هم دستشان بدهشان میرسد ، در سطح عدالان و معقول کار و کسب و تخصصشان و در حد مستحق هر فرد حرفه‌ای ، زندگی متوسطی برای خودشان دست و پا کرده‌اند . من از آنها حرف میزنم که شرافتمندانه کار کرده‌اند ، از فن و حرفه و هنر و تخصص خود بهره گرفته‌اند و نه از آب گل آلود دوران گذشته .

طبیعی است که افرادی با این مشخصات بجزر و دلیل شغلی ، کارمند داشته‌اند . همکار و رقیب داشته‌اند ، زیر دست داشته‌اند و بالاخره دوست و دشمن در اطراف خود پروراندند . متاسفانه حوادث و گرفتاریها - تهمت ها و مزاحمت‌هایی که باشکال مختلف ، برای افراد اتفاق افتاده و می‌افتد و بالاخره بی‌پناهی برای اثبات حقایق و دادخواهی باعث این‌وحشت و نگرانی است که از آن یاد شد .

آقای مهندس بازرگان ، در مملکتی که از هر زمان بیشتر محتاج بسازندگی است ، برای‌ملی که‌ا‌ا‌هر لعمته‌ا‌اربخش بیشتر ترا‌ا‌ا‌ج به تحرك مثبت و سازنده دارد ، چرا باید تعداد زیادی از مغز ها و موتورهای مولد د ر خارج از وطن « وقت کشی» کنند ؟ چرا این اوقات و این‌دوره‌ا‌ا‌رانبها را بطلات بگذرانند و برخلاف میل و ارادهٔ باطنشان نتوانند دوش بلوش دیگران ، گوشه‌ای از این باز عظیم را به مرده بگیرند ؟

آقای نخست وزیر من و ما برای مملکت و ملتمان گران تمام شده‌ایم . من دو دانشگاه دیده‌ام. در رشتهٔ خودم تخصص و دکترا از با ارزش ترین دانشگاههای اروپا دارم و از همه مهمتر نزدیک ۲۰ بقیه در صفحه ۷

یامرگ یا مصدق تهران خشمگین را به لرزه در آورد

نخست وزیر با عنوان «جناب اشرف» بنام او صادر شد و نخستین کارش صدور اعلامیه‌ای بود که در شهر تهران بخش و وسیله رادیو خوانده شد. قوام السلطنه این اعلامیه را پس از شرح برنامه خود با جمله‌های تهدید آمیز زیر پایان داده بود:

«بگذارید با فراغ بال شروع بکارکنم، وای بحال کسانی که در اقدامات مصلحانه من اخلال نمایند و در راهی که در پیش دارم مانع بتراشند و یا نظم عمومی را برهم زنند، اینگونه آشوبگران باشدندترین عکس العملی از طرف من روبرو خواهند شد و چنانکه در گذشته نشان دادم بدون ملاحظه از احدی و بدون توجه به مقام و موقعیت مخالفین کیفر اعمالشان را در کنارشان می گذارم و حتی ممکن است تا جایی روم که باتصویب اکثریت پارلمان دست به تشکیل محاکم انقلابی زده و روزی صد تپیکار را از هر طبقه به موجب حکم خشک و بی شفقت قانون قرین تیرم روزی سازم. به عموم اخطار می کنم که

دوره عصیان سپری شده و روز اطاعت از اوامر و نواهی حکومت فرارسیده است. «گشتیبان را سیاستی ذکر آمد.» روز بیست و هشتم تیر ماه سفیر انگلستان از تغییر دولت ایران خوشحالی کرد و سفر به آمریکا نیز بدینار قوام رفت و بدینگونه نیروهای استعمار و سلطه گران پشتیبانی خود را از نخست وزیر قوام که برخلاف خواست مردم روی کار آمده بود آشکار کردند.

نیروهای نظامی نیز در سراسر کشور جهت جلوگیری از فعالیت های احزاب و جمعیت های ملی بسیج گردیدند. دفتر های روزنامه ها، کلوپها، معاصر و اشفال شدند. قوام السلطنه با آنکه هنوز کابینه خود را معرفی نکرده بود شورای امنیت کشور را بنا برکت رئیس ستاد ارتش و فرمانده ژاندارمری و رئیس شهربانی تشکیل و دستور های تنیدی برای جلوگیری از تظاهرات مردم صادر کرد. بیشتر شهرهای ایران در عمل در اشغال نظامی درآمد و صف استبدادیان وابسته به استعمار کاملاً

مشفص گردید. صفی که هدف اصلی آن سرکوبی نهضت ملی ایران و از میان بردن دست آورد های دکتر مصدق «پیشوای ملت» بود. واکنش تاریخی مردم نخستین واکنشی از سوی نمایندگان هوادار دکتر مصدق در مجلس شورای ملی آشکار شد. بیست و هشت تن از نمایندگان اعلامیه هوادار مصدق اعلام تعطیل عمومی در سراسر کشور را نمودند و مراجع روحانی و آیت الله کاشانی هم در اعلامیه های خطاب به افسران و سربازان خواستند که در صورت وقوع حوادث بروی جوانان خود تیراندازی نکنند.

تعطیل بازار تهران به دیگر شهرهای ایران گسترش یافت و تبریز، مشهد، اهواز، آبادان، کرمانشاه، کرمان، اصفهان، همدان، اراک، قزوین و به کلامی سراسر ایران تعطیل عمومی گردید. زمزمه عصیان و سرکشی بالا گرفت و اینجا و آنجا تظاهرات خیابانی با سازماندهی حزب ها و جمعیت های وابسته به نهضت

ملی بوجود می آمد. روزنامه های ملی زیر فشار سانسور انتشار می یافت و به پایداری و استقامت مردم حرکت و هیجان می بخشید. در فراگرد سازمانی مخالفت با قوام «کمیته تمرکز مبارزات ملی» تشکیل شد و در عین وحدت و نظم دادن مبارزات مردم و صف آرایی آنان، کوشش کردند تا از برخورد با نیروهای انتظامی بپرهیز کنند تا آنجا که امکان داشت از روش های مبارزه منفی سود جویند. قیام خود جوش ملت دوشنبه سیام تیر ماه فرارسید، دواگره در برابر یکدیگر صف آرایی کردند، گروهی وابسته به استبداد استعمار ساخته با شرکت ارتش و نیروهای پلیسی زیر نظر جناح راست موازنه مثبت دسرگویی نهضت ملی ایران، گروه دیگر هواداران راه آزادی و استقلال، مردم بی سلاح و روحانیت مترقی زیر نظر رهبران جناح موازنه منفی در دفاع از دکتر مصدق بگونه منظر نهضت ملی ایران.

در این روز از بامداد زود همه میدانهای بزرگ و خیابانهای اصلی شهر تهران را نیروهای ارتش و پلیس به اشغال در آورد با اینهمه مغازه ها و کارگاهها در سراسر شهر بسته شدند خطوط اتوبوسرانی و تاکسی ها دست از کار کشیدند، بیشتر کارخانه ها و اداره های دولتی به حالت نیمه تعطیل در آمدند. بتدریج کوچه ها و خیابانها از زنان و مردان خشمگینی که تصمیم به تعیین سرنوشت خود گرفته بودند پر شد بطوریکه در حدود ساعت هشت بامداد قوای پلیس و سرباز ها برای حفظ خود در برابر انبوه تظاهر کنندگان آرایش جنگی گرفتند و بعد از مدت کوتاهی به آنها دستور تیراندازی داده شد، میدان بهارستان، میدان سپه و خیابانهای ایکاکان، شاه آباد، ناصر خسرو بودجه صبری و خیام مرکز های اصلی جنگ قوای موتوریزه استبداد و مردم بی سلاح بود.

فریاد «یا مرگ یا مصدق»، «مصدق پیروز است» «مرکز قوام»، «نابود باد استعمار» تهران آتشین آرزو را به لرزه در آورد. از خون جوانان با ایمان و مبین دوست در پشتیبانی از مصدق، خیابانها و دیوار ها رنگه شده بود.

کشتار بیرحمانه تا پاسی از ظهر گذشته ادامه داشت ولی مردم بیا خاسته و مصمم تهران دست از مقاومت نمی کشیدند و در چند نقطه شهر با آتش زدن اتومبیلهای دولتی و انداختن تیر های چراغ برق، راه را بر تاکسیها و زده پوش ها می بستند و هر جا فرست می کردند بر قوای نظامی کشتارگر حمله می بردند و یکی دومورد هم افسران شرافتمندی که از اجرای دستور تیراندازی خودداری کرده بودند مورد استتبال و تشویق قرار دادند. بر شمار شهیدان هر لحظه افزوده میشد. بیشتر بیمارستانها براز زخمیان بود، مردم با وجود خستگی زیاد و تحمل گرمسگی و هوای سوزان آن روز تهران، خود را برای تظاهرات جدید آماده می کردند.

خبر پایداری مردم تهران به شهرستانها رسیده بود و در شهرستانها نیز تظاهرات و تیراندازی بر پا شد و خبر آن مردم تهران را دلگرمی بخشید.

گروهی از مردم شهرستانها، کفن پوشیده در راه جهاد ملی عازم تهران می شدند که وسیله قوای ژاندارمری در کاروانسراستگي از ورود آنها جلوگیری بعمل آمد.

خون و آتش سراسر تهران و بیشتر شهر های ایران را درخود گرفت، مردم دلیرانه مقاومت می کردند و این پایداری خودجوش، امری بود که استعمار و استبداد وابسته به آن اندیشیده بود.

پیروزی ملت. نزدیک ساعت چهار بعد از ظهر سیام تیر تاریخ مبارزات ملت ما ورق خورد و خون شهیدان گلگون کفن پیروزی را رقم زد.

نیرو های پلیس و ارتش از سوی فرماندهان شکست خورده استبداد بطور ناگهانی به مرکز های خود خوانده شدند. مردم با فریاد «یا مرگ یا مصدق» به میدان بهارستان روی آوردند و مجلس شورای ملی را محاصره کردند، در همین هنگام مهندس کاظم حبیبی که به کوشش های درخشان ملی و آوازه مصدق دوستی او همگان آگاهی داشتند به میان مردم آمد. پیروزی را مزده داد و گفت: «قوام: نهضت وزیری کنار خواهد رفت» فریاد بقیه در صفحه ۶

برای شناخت دقیق قیام ملی و تاریخی سیام تیر ماه ۱۳۳۱ لازم دیده شد تا رویداد ها در سلسله بندی و روای خاص تقییب گردند تا شکوه این قیام پرورمند بر نسل کثونی ایران روشن شود.

مجلس هفدهم و دکتر مصدق استعمار و استبداد وابسته به آن که در پی پیروزی ملت ایران در ملی کردن صنعت نفت با از دست دادن کرسی نهضت وزیر ایران به تنگنا افتاده بود در صدد ایجاد مجلسی فرمایشی و ضد دموکراتیک بر آمد و از بدو انتخابات هفدهم کوشش کرد تا با ایجاد اختلال در نظم و تقلب در رای گیری از طریق بوجود آوردن ربع ایجاد مجلس فرمایشی و ضد دموکراتیک که در اختیار دربار قرار داشتند با تطهیر و تحجیب، مجلسی پسان مجلس های دوره استبداد بر پا دارند.

دکتر مصدق پیش از پایان انتخابات در همه حوزه ها دستور افتتاح مجلس شورای ملی را برای جلوگیری از فترت و دسیسه های گوناگون استعمار صادر کرد. مجلس شورای ملی در هفتم اردیبهشت ماه ۱۳۳۱ با شرکت هفتاد و پنج نماینده افتتاح گشت ولی از آنجا که با کشمکش بر سر اعتبار نامه ها و انتخاب رئیس آمدگی لازم را برای کار نیافت و پیشوای ملت نیز «عازم» دیوان دادگستری بین المللی» بود لذا استعفا ستنی هیات دولت عملی نشد.

دردست در زمانی که قلب میلیونهای ایرانی بانام مصدق می طیبو چشم های مشتاقان به راه پر خطر او بود و انتظار بازگشت او خون گرم و تازه در رنگها بجریان می آورد دستهای آلوده اجنبی تخم نفاق در میان کرسی نشینان بهارستان می برانند و با استفاده از ضعف های اخلاقی راه دسیسه های بعضی را هموار میکند.

سرانجام کشمکش ها و مباحثات مجلس بظاهر پایان یافت و در دهم تیر ماه ۱۳۳۱ سید حسن امامی (امام جمعه تهران) با ۳۹ رای در برابر دکتر عبداللّه معظمی کاندیدای هواداران نهضت ملی که ۳۵ رای بدست آورده بود، به ریاست مجلس انتخاب شد.

دکتر مصدق و مساله استقلال هدف اساسی دکتر مصدق در قبول پست نخست وزیری، پیمان رساندن کار «خلعیده» استعمار از صنعت نفت ایران بود که بعنوان دفاع از اصل استقلال ملی مورد پذیرش قرار داشت و کار های دیگر سیاسی همه بنور این محور اساسی در حرکت بودند. به همین دلیل پیشوای ملت برای دفاع از حقانیت ایران با تنی چند از همکاران خود در هفتم خرداد ماه عازم لاهه شد و پس از به پایان رساندن مساله مورد شکایت که با انواع دسیسه ها نیز همراه بود، روز چهارم تیر ماه در میان استقلال پر شکوه مردم تهران به مین بازگشت.

دکتر مصدق روز چهاردهم تیر ماه طبق یکی از سنت های پارلمانی استعفا کرد و فردای آنروز مجلس شورای ملی به نخست وزیری پیشوای پیروزمند ایران «ابراز تمایل» کرد و مجلس سنا نیز که در ابتدا از اظهار نظر خودداری می نمود، سرانجام در هفدهم تیر ماه در راه مجلس شورای ملی گام برداشت و در بیست و یکم تیر ماه فرمان مجیدنخست وزیر دکتر مصدق انتشار یافت.

دکتر مصدق که در صحنه بین المللی در مبارزه با دشمنان استقلال ایران به آستانه پیروزی رسیده بود در صحنه داخلی نیز در صدد سازمان دادن به اقدامات بنیادی برآمد، خواستن «اختیارات خاص» و جلوگیری از دست اندازی ارتش در کار های دولت در این رابطه قرار داشت و چون گفتگوی سه ساعته او با شاه در بیست و پنجم تیر ماه پیرامون چگونگی تشکیل کابینه و بهمه گرفتن پست وزارت جنگ که میخواست به وزارت دفاع ملی تغییر نام یابد به نتیجه نرسید، از پست نخست وزیری کناره گیری نمود و حرکت ملی مردم با آگاهی از همین امر نشات گرفت.

تشکیل دولت هفتمی نیرو های ارتجاعی وابسته به استعمار استعفاي دکتر مصدق را پیروزی بشمار آوردند. نزدیک ظهر روز بیست و ششم تیرماه حسین علاء وزیر دربار بدینار رئیس مجلس رفت و خواست به نخست وزیری شخص دیگری «رای تمایل» گرفته شود و پسا زمینه سازی هائی که شده بود چهل و دو تن از نمایندگان در تالار جلسه علنی حضور یافتند و با چهل رای به نخست وزیری احمد قوام (قوام السلطنه) «ابراز تمایل» کردند.

روز جمعه بیست و هفت تیر ماه فرمان

تاریخ بزرگترین آموزگار ملت هاست

درسهای از قیام ملی سیام تیر



روز جمعه ۲۷ تیرماه در این روز فرمان نخست وزیری قوام صادر شد و نخستین کار او صدور اعلامیه ای بود که در شهر تهران بخش و وسیله رادیو خوانده شد.

قوام این اعلامیه را پس از شرح برنامه خود با جمله های تهدید آمیز زیر پایان داده بود «بگذارید با فراغ بال شروع بکار کنم. وای بحال کسانی که در اقدامات مصلحانه ای من اخلال نمایند و در پیش دارم مانع بتراشند و یا نظم عمومی را برهم زنند. اینگونه آشوبگران با شدیدترین عکس العمل از طرف من روبرو خواهند شد و چنانکه در گذشته نشان دادم بدون ملاحظه از احدی و بدون توجه به مقام و موقعیت مخالفین کیفر اعمالشان را در کنارشان می گذارم و حتی ممکن است تا جایی روم که باتصویب اکثریت پارلمان دست به تشکیل محاکم انقلابی زده و روزی صد تپیکار را از هر طبقه به موجب حکم خشک و بی شفقت قانون قرین تیرم روزی سازم. به عموم اخطار می کنم که روزی سازم. به عموم اخطار می کنم که

روز جمعه ۲۷ تیرماه در این روز فرمان نخست وزیری قوام صادر شد و نخستین کار او صدور اعلامیه ای بود که در شهر تهران بخش و وسیله رادیو خوانده شد.

قوام این اعلامیه را پس از شرح برنامه خود با جمله های تهدید آمیز زیر پایان داده بود «بگذارید با فراغ بال شروع بکار کنم. وای بحال کسانی که در اقدامات مصلحانه ای من اخلال نمایند و در پیش دارم مانع بتراشند و یا نظم عمومی را برهم زنند. اینگونه آشوبگران با شدیدترین عکس العمل از طرف من روبرو خواهند شد و چنانکه در گذشته نشان دادم بدون ملاحظه از احدی و بدون توجه به مقام و موقعیت مخالفین کیفر اعمالشان را در کنارشان می گذارم و حتی ممکن است تا جایی روم که باتصویب اکثریت پارلمان دست به تشکیل محاکم انقلابی زده و روزی صد تپیکار را از هر طبقه به موجب حکم خشک و بی شفقت قانون قرین تیرم روزی سازم. به عموم اخطار می کنم که روزی سازم. به عموم اخطار می کنم که

روز جمعه ۲۷ تیرماه در این روز فرمان نخست وزیری قوام صادر شد و نخستین کار او صدور اعلامیه ای بود که در شهر تهران بخش و وسیله رادیو خوانده شد.

قوام این اعلامیه را پس از شرح برنامه خود با جمله های تهدید آمیز زیر پایان داده بود «بگذارید با فراغ بال شروع بکار کنم. وای بحال کسانی که در اقدامات مصلحانه ای من اخلال نمایند و در پیش دارم مانع بتراشند و یا نظم عمومی را برهم زنند. اینگونه آشوبگران با شدیدترین عکس العمل از طرف من روبرو خواهند شد و چنانکه در گذشته نشان دادم بدون ملاحظه از احدی و بدون توجه به مقام و موقعیت مخالفین کیفر اعمالشان را در کنارشان می گذارم و حتی ممکن است تا جایی روم که باتصویب اکثریت پارلمان دست به تشکیل محاکم انقلابی زده و روزی صد تپیکار را از هر طبقه به موجب حکم خشک و بی شفقت قانون قرین تیرم روزی سازم. به عموم اخطار می کنم که روزی سازم. به عموم اخطار می کنم که

روز «سی تیر» هزار و سیصد و سی و یک روز پیروزی ملت بر دست نشاندهان بکاوه بدینال یک ساله جریانهای سیاسی بوجود آمد.

دکتر مصدق رهبر نهضت ملی قدم بقدیم بسوی پیروزی قطعی پیش میرفت ولی «هیات حاکمه وابسته به استعمار» با اینکه کرسی نخست وزیری را از دست داده بود به پشتیبانی استعمارگران دست از توطئه و اخلال برنمی داشت و چون دکتر مصدق برای جلوگیری از فترت دستور انجام انتخابات دوره هفدهم مجلس شورای ملی را داد دسیسه و تقلب در این کار آغاز شد به نحوی که ناچار دولت جریان آنرا نیمه تمام گذاشت.

مجلس هفدهم روز یکشنبه ۱۷ اردیبهشت ماه ۱۳۳۱ با شرکت هفتاد و پنج نماینده انتخاب شده افتتاح گشت ولی کشمکش بر سر تصویب اعتبارنامه ها و انتخاب رئیس مانع آمدگی مجلس برای کار بود و نخست وزیر که برای دفاع از حقوق ملت عازم سرگت در «دیوان دادگستری بین المللی لاهه» بود ناگزیر به ستنی که بنابرآن در آغاز کار هر دوره مجلس دولت می بايست استعفا کند عمل نکرد و در روز چهارشنبه ۷ خرداد عازم لاهه شد و با امید کامل به اینکه رای دیوان به نفع ایران خواهد بود روز چهارشنبه ۴ تیرماه در میان استقبال کم نظیر مردم به تهران بازگشت.

روز سه شنبه ۱۰ تیرماه امامی «امام جمعه تهران» با سی و نه رای به ریاست مجلس انتخاب شد و دکتر عبداللّه معظمی که کاندیدای هواداران نهضت ملی بسود بیش از سی و پنج رای برای این سمت بدست نیامد.

چون مجلس شورای ملی بدینگونه آماده کار شده بود دکتر مصدق روز شنبه ۱۴ تیرماه استعفا نمود ولی روز یکشنبه ۱۵ تیرماه مجلس شورای ملی با رای به نخست وزیری دوباره دکتر مصدق «ابراز تمایل» کرد و در مجلس سنا هم که ابتدا از اظهار نظر خودداری میشد سرانجام در روز چهارشنبه ۱۸ تیرماه با ۱۴ رای به دکتر مصدق «ابراز تمایل» شد و روز شنبه ۲۱ تیرماه فرمان نخست وزیری بنام او انتشار یافت.

دکتر مصدق چون از نقشهائی که برای مخالفت با او در هر دو مجلس وجود داشت آگاه بود خواستار «اختیارات خاص» شد و از این گذشته برای جلوگیری از دست اندازی ارتش در کار دولت، روز چهارشنبه ۲۵ تیرماه در طی یک دیدار سه ساعته با شاه در پیرامون چگونگی تشکیل کابینه اظهار داشت که در نظر دادوستد وزارت جنگ را خود بهعهده بگیرد چون با این خواست قانونی او موافقت نشد از پذیرش نخست وزیری عذر خواست و از اینجا بحرانی آغاز شد که پس از چندروز کشمکش با قیام ملی سی تیر به پیروزی

این اعلامیه بر شدت خشم و ناراضی مردم افزود و در تهران و شهرستانها تظاهرات بالا گرفت ولی فرمانداریهای نظامی و شهربانی نیز دست به شدت عمل زدند و خیابانها اصلی بیشتر شهرها از قوای نظامی و پلیس پر شد.

روز شنبه ۲۸ تیرماه سفیر انگلستان از تغییر دولت ابراز خوشحالی کرد و سفیر آمریکا به دیدار

دکتر مصدق در این روز نیز در تهران و شهرستانها تظاهرات بالا گرفت ولی فرمانداریهای نظامی و شهربانی نیز دست به شدت عمل زدند و خیابانها اصلی بیشتر شهرها از قوای نظامی و پلیس پر شد.

روز شنبه ۲۸ تیرماه سفیر انگلستان از تغییر دولت ابراز خوشحالی کرد و سفیر آمریکا به دیدار

دکتر مصدق در این روز نیز در تهران و شهرستانها تظاهرات بالا گرفت ولی فرمانداریهای نظامی و شهربانی نیز دست به شدت عمل زدند و خیابانها اصلی بیشتر شهرها از قوای نظامی و پلیس پر شد.

روز شنبه ۲۸ تیرماه سفیر انگلستان از تغییر دولت ابراز خوشحالی کرد و سفیر آمریکا به دیدار

دکتر مصدق در این روز نیز در تهران و شهرستانها تظاهرات بالا گرفت ولی فرمانداریهای نظامی و شهربانی نیز دست به شدت عمل زدند و خیابانها اصلی بیشتر شهرها از قوای نظامی و پلیس پر شد.

روز شنبه ۲۸ تیرماه سفیر انگلستان از تغییر دولت ابراز خوشحالی کرد و سفیر آمریکا به دیدار

دکتر مصدق در این روز نیز در تهران و شهرستانها تظاهرات بالا گرفت ولی فرمانداریهای نظامی و شهربانی نیز دست به شدت عمل زدند و خیابانها اصلی بیشتر شهرها از قوای نظامی و پلیس پر شد.

روز شنبه ۲۸ تیرماه سفیر انگلستان از تغییر دولت ابراز خوشحالی کرد و سفیر آمریکا به دیدار

بقیه در صفحه ۶

کاهش رشته‌های تحصیلی به سود چه گروهی است

آموزش عالی در کشور وضعی نامناسب و باطن مرتب ندارد، هر چند زمان یکبار زهمه‌های بی‌فکری که شاید همه آنها را نمی‌توان باور کرد، لیکن در عین حال تکیه همه این زهمه‌ها کاری است که در حد روابط عمومی سازمانهای دولتی حداقل در گذشته خواهد بود.

انحلال دانشگاه‌های تک‌دوره‌ای و ولی اقدام چند موسسه آموزشی بزرگ در یکدیگر نه تنها تکیه بدنبال ندارد بلکه تأیید کامل آن بدون ذکر دلیل کافی برای اینکار برای کشوری با شرایط فعلی این مملکت زنگ خطری خواهد بود که شاید حتی صدای این زنگ هم مانند بقیه مسائل پس از گذشت و انجام کارها در خواهد آمد.

وزارت فرهنگ و آموزش عالی شاید بتوان تنها به این بسته کند که این تصمیم با حضور روسای دانشگاهها گرفته شده است که پاسخی ساده بر آن تازه‌کار بودن روسای دانشگاهها و دلیل قاطع تر آنهایی بودن روسای دانشگاهها است که متاعد گردن آنها شاید ساده باشد.

درد دوم که بازم بر ارتباط به

اقدام موسسات آموزشی در دیگر نیست، کم کردن رشته‌های تحصیلی در سطح عالی است که در ابتدا زهمه‌وار بگوش می‌رسد و اینک حالت جدی‌تری بخود گرفته است و گفته می‌شود در بعضی رشته‌ها که حتی مورد نیاز کشور هم هست ادامه تحصیل تا حد فوق‌دیپلم در نظر گرفته شده است و تحصیل برای چند رشته تاحد لیسانس متوقف شده است.

هنگامی که کشور یا مسئولان وقت آن سعی می‌کنند در سازمانهای خود از وجود کارشناس خارجی بکنار روند، جلوگیری از تحصیل در رشته‌های تخصصی چه معنایی می‌تواند داشته باشد، و اگر تنها فکر چند صیاح نیاشیم و به آینده کشور، بیاندیشیم تاگزیر از خلقت گم‌کنند در آینده خواهیم بود. آینده‌ای که یک کشور می‌خواهد به حد خود بسندگی برسد لیکن به استثنای پزشکی تا حد دکتر در رشته‌های دیگر نیاز مبرم به وجود متخصصان خارجی خواهد بود که با سرمایه‌های و پرداخت هزینه‌های سنگین‌بای ارتباطی مشکوک گذشته را در ایران باز کنیم.

در هیچ کشوری پس از یک

انقلاب راستین مانع آموزش عالی نمی‌شوند و سعی در تکمیل آموزش ملت است و با دولت این نکته که هر میزان که سطح مواد و آگاهی در جامعه رشد کند رشته‌های استقرار حاکمیت مسلی رشد و گسترش بیشتری پیدا می‌کند که گویا در حال حاضر این مورد روبرو فراموشی است و بازم مسانند گذشته بیشتر کارها برای موافق میل چند نفر و یا اصولاً براساس ساده گرفتن مسائل و با تفشردن در ارزیابی و مقاومت برای انجام است و تنها برای گذشت زمان و گسترش وقت جهت رسیدن به استقرار مجلس جمهوری اسلامی است و هر چه مقاومت کمتر باشد ایجاد علاقه و پایدار ماندن آن جای بیشتری در نزد مسئولان خواهد داشت و بهین لحاظ و با توجه به سلسله مراتب اداری هیچکدام از مسئولان حاضر نیستند که از اعتبار شخصی خود صرف کنند و شاید هم زمانی باشد که می‌باید اعتبارهای بیشتری گرفته و ذخیره شود تا در آینده خرج شود، لیکن آینده فرصتی برای مصرف این اعتبارها به ارادی بسا این چنین

برداشتایی نخواهد داد و اینک بپترین زمان برای مصرف اعتبار او از شبهای گذشته است که در راه کمک به ملت خرج شود که شاید بازده آن در درازمدت خیلی بیشتر باشد.

آموزش عالی موردی نیست که چند نفر برای اجرای آن تصمیم‌گیری کنند و یا نظر شخصی خود را اعمال نمایند، هر چند که شاید هنوز هم تعدادی از سازمان‌ها بطور انفرادی اداره می‌شود لیکن جای دارد که وزارت فرهنگ و آموزش عالی در تصمیم‌گیری‌های خود فرصت بیشتری را منظور دارد و گسترش دانشگاهها و ایجاد واحد های مختلف آموزشی را بر محدود کردن آنها ارجحیت دهد و هرگز اجازه ندهد که در رسانه‌ها از متخصص بعنوان یک سودجو نام ببرند و موج‌کوبنده تحصیل کرده‌های مملکت بیشتر از این سطح و زیر بنای این مملکت را مورد سستشو قرار دهد.

معلوم نیست کاهش برنامه‌های آموزش عالی به سود چه دسته یا گروهی است، همیشه امتیاز ایران بر کشورهای همجوار سطح سواد و آموزش مردم آن بوده است و آیا در این دوره ایران باید سطح معلومات افرادش را به سطح سواد کشور های همجوار برساند یا کشورهای دیگر هستند که در صورت تمایل باید آموزش عالی را در کشور خود توسعه دهند.

نامه يك ایرانی از دیار فنك

بقیه از صفحه ۴

سال تجربه اجرائی و حرفه‌ای در مملکت خود. که این تجربه را از تیرهای علمیام بالاتر میدانم . شما خودتان اهل حرفه و کار هستی و میدانید که در قیاس با خیلی از کشور های جهان ، بیست سال کار در سیستمی « بوروکرات » با دستگاههای مفسدو « سنکالنداز » آریامبری ، معادل چهل سال کار و تجربه عادی است . و آنوقت چرا باید در موقعیت امروزی مملکت ، که بیشتر از هر زمانی به امثالمن احتیاج دارد ، فقط و فقط بدلیل وجود یک « نگرانی » و عدم اطمینان وقت و رزوم را بشکل یک بازنشسته مفولک بگذرانم ؟

تکوید در در اشتباه هستم . خیلی از آنها که باصلاحشجاعت پر بوده‌اند و تن بقضا داده‌اند و بپر کارشان رفته‌اند ، گرفتار درگیریها ، انتقامجویی ها و درد سر های بزرگی شده‌اند ، این آنگذر مهم نیست . زندگی پر از درگیری است . مهم اینجا است که هیچ مرجعی برای رسیدگی بقضایق و دادخواهی نیافته‌اند و برای اثبات حقایق عاجزند . و در نتیجه همیشه « مدعی » بیروز بوده است ، چه بزور و چه بشدید !

فحنتی است که برای ادامه حیات ، آقایان خرشان بگل نشسته است و هر کدامشان را- اگر بخوانند کار کنند ، بدلیل تحصیل و تجربه‌شان سر درست میبرند و بالاخره زندگیشان خواهد چرخید ، ولی این میل باطنشان نیست . قدرت و کنشش که آنها را بوششان وابسته میکند قوی تر از این مطلب است .

برای اینکه بدانم از نروم بعضی از علل ناراحتی های این « نگرانی » ها را در

پخش صدای مصدق

زیر خلاصه میکنم :

صاحبان موسسات و یا شرکت هائی که کارمندیان در خدمت داشته و دارند از اتهامات و پرونده سازی آنها یاکارمندان قدیم خود نگرانند . مثالهای متعددی مطلب را ثابت کرده است که این نگرانی بی مورد هم نیست .

افرادیکه در اجرای حرفه و کارشان و یا تخصصشان بنبوی یا بشکلی مستقیم یا غیر مستقیم در خدمت دستگاهی وابسته بر زمین بوده‌اند یا بدلائل شفلی و بحکم حرفه ، کاری برای دستگاه انجام داده‌اند . این سئوال پیش می آید که ، آیا همه مردم مملکت برای داوردن نانشان باید سالبها صبر میکردند تا انقلاب شود ؟

در گروه مورد بحث ، پزشکان متخصص ، جراح ، مهندس و متخصص های حرفه‌ای دیگر نیز تعداد قابل ملاحظه‌ای بششم می-خوندند . و بالاخره دسته‌ایکه اتهام « خیانت » را بگوششان رسانیده‌اند فقط بدلیل اینکه در دوران انقلاب « فائلب » بوده‌اند ؛ آقای مهندس بازگان ، ما همه هوزبان شما هستیم . همانقدر بایران و ایرانی عشق داریم که شما دارید با این تفاوت که بالهای ما رابسته‌اند و صداها ما در تگرانی و خلاء ، بدون طنین خاموش میشود . اینست که دست کمک واستمداد بسویتان دراز کرده‌ایم . ما نیز حمایت میخواستیم ، نه کاری یادخواستی خلاف شرع وقانون- ما بعکس خود قانون و حمایت قانون را میخواستیم . ملاحظه شما میخواستیم راهی بیایید که قدری اعتماد و اطمینان جانشین اینهمه نگرانی شود تا شاید گوشه‌ناچیزی از بارستگین سازندگی ایران عزیزان را قبل از اینکه از دست برود ، بگوش گیریم .

امضاء محفوظ

تجدید دانشجویان

صدای از دانشجویشان

دانشگاه پزشکی بوعلی سینا در اعتراض به علم امکانات علمی این دانشکده در وزارت فرهنگ و آموزش عالی تصحیح کردند.

این گروه خواهان انتقال به دانشکده‌های معتبر کشور هستند.

در این نوار که قرار است در میتنگ عصر روز شنبه ۳۰ تیر در مراسم میدان بهارستان پخش شود دکتر محمد مصدق در باره پیروزی ملت ایران در ۳۰ تیر و در دادگاه بین‌المللی لاهه سخن گفته است گروه سیاسی ایران امروز هم چنین طی اطلاع‌های کلیه گروههای سیاسی و مبارز ملی افراد وطن‌خواه را به شرکت در مراسم یادبود شهبای ۳۰ تیر بر مزار شهیدا در این بابویه و میدان بهارستان که عصر روزجمعه و شنبه انجام میشود دعوت کرد.

بوغلی سینا

صدای از دانشجویشان

دانشگاه پزشکی بوعلی سینا در اعتراض به علم امکانات علمی این دانشکده در وزارت فرهنگ و آموزش عالی تصحیح کردند.

این گروه خواهان انتقال به دانشکده‌های معتبر کشور هستند.

برگزیده مطبوعات

روزداد

سایه شوم خان‌خانی

امروز سایه شوم خان‌خانی (ملوک) الطوائفی بر مبین ما فرو افتاده روزگار ایرانیان را تیره می‌نماید . به تصرف فرودگاه مهرآباد بیاری یک دوچرخه‌تفنگچی و به خانه‌های کشتندی خانهی حجت - الاسلام هاشمی رفسنجانی و به کشف سلاح گروههای سیاسی - نظامی و به اجبار مسئولان آزاد کردن قاجاچیسان سلاح و دردان بانگها و جاسوسان بیگانه دست - بدست شدن چند بازاری زلفان قصر تهران و به فشار موفق در تجدید نظر نسبت به ای دادگاه عدل اسلامی نجف آباد اصفهان . به کشتار شبانه‌های « پاسداران » و به قاجاق و دو طرفه سلاح و مشروب الکلی و عقیت و گوهر و زر و سیم و خودرو و فروش مواد خوراکی و پوشاک و مواد مخدر و گسترش مصرف فیون و هروئین و به طغیان گری کارکنان دیوان در سازمانهای دیوانی و به تجاوز به باغها و زمین ها و کارگاهها . از سوی هم خواران طبقات کارگر و دهقانان ، بکرمیم .

ایشا همه نشانه‌ی پیدایش نوعی خان‌خانی در ایران است .

می دانیم که روزگار کین ، حکومت‌اشکافی را به داشتن چنین شیوه متهم می کردند و فردوسی در شاهنامه خود به خاطر زشتی جنان راه و رسم کشور داری ، کتساستری چند را به حکومت چهارصد و پنجاه ساله‌ی اشکانیان ، تخصیص داده می سراید :

« دایر و سیکسار و سرکش بدنه »
 « جو بر تختشان شاد بنشانند »
 « ملوک‌الطوائف همی خوانندند »

پس از چیرگی اسلام نیز دیگر پارو- سده بر ایران چنین گذشت .

در سده های پس از تباهی کار نادرشاه ، تا کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ ، راه و رسم ملوک‌الطوائف ، کم و بیش ، بر این چیره‌گی داشت و هر کس یا چندتنگدار و قدراریند به تناسب قدرت خود ، بر بخشی از کشور یا گوی و بزری از شبر ها یا روستاهای کوچک و بزرگ ، فرمانروایی داشت و باجستان و جیاوگر و دژیخ و گلاتر مردم بود .

خودمختاری یا تجزیه طلبی !؟

در این روزها شاهد هستیم که ملت ایران برای بازشناسی هویت سیاسی خود در یک دوره انشپاب و هیجان پس می برد زیرا برای نخستین بار پس از پنجاه و هشت سال اختناق ، این فرصت را بدست آورده است که آزادانه ایدآلبای عقیدتی و سیاسی خود را ابراز دارد . طبیعتاً اکثریت مردم بیصبرانه این موقعیت را غنیمت شمرده و صمیمانه در راه اهداف عالی خود کوشا می باشند . ایجاد و تاسیس احزاب و گروههای بیشماری سیاسی و نشر و انتشار صد ها روزنامه و مجله نمایشگر همین مسئله است .

در عین حال ملت قهرمان ما آگاه است که علیرغم صمیمیت و عشق توده های مردم ، بسیاری از مسائل سیاسی با تغییرات مختلف و گاه مخالف طرح می گردد . مثلاً در این چند ماهه پس از پیروزی انقلاب ، خود ناظر برخی گروهها و دستجات بوده‌ایم که تحت عنوان آزادی و آزادیخواهی اعمالی انجام داده‌اند که در قاموس سیاست تنها نماینده بارزفاشیسم و آنارشیزم می- باشد . در این برهه حساس تاریخ ایران ضرور است که جهت تصمیم گیری در باره هر مسئله سیاسی ، اجتماعی و اقتصادی « ریشه ها و مدارک موجود مراجعه نموده تا بدین وسیله نتایج واقعی این مسائل روشن گردد و به هیچوجه تنها به ظاهر « مردم پسندان » طرحها و پیشنهادات نباید اکتفا کرد .

از این مقوله است مسئله خود مختاری که بویژه در خطه کردستان از مباحث داغ روز می باشد و متأسفانه برای بسیاری از مردم تنها جنبه یک شعار سیاسی را دارد . حتی دکتر عبدالرحمن قاسملو دبیر کل فعلی حزب دموکرات کردستان که از مبلفین مسئله خود مختاری است ، اذعان دارد که

در مورد تشریح مسئله خود مختاری آنچه را که وظیفه حزبیشان ایجاد می نموده انجام ندادند و طبعاً برای اکثریت افراد این مسئله کاملاً نامفهوم می باشد . دولت مرکزی که نماینده کلیه اقشارمملت است بر اساس صلاح قاطبه توابع خود ، اختیارات عمده از قبیل سیاست خارجی ، ارتش ، برنامه های اقتصادی و غیره را در دست خواهد گرفت و سپس برای جلوگیری از ایجاد یک دستگاه قراضی بازی عظیم و تسریع امور کشوری و حسن اجرای طرحهای ملی ، برخی از اختیارات محلی را به حکومت خودمختار تفویض نموده و انتظار دارد که دولت منخبه محلی باعلاقه بفرز و یوم و آشنائی کامل با ویژگیهای آن خطه ، اساس رفاه عمومی را پایه ریزی نماید . چنانکه واضح است این خودمختاری مثبت باعث تحکیم استقلال و تمامیت ارضی کشور خواهد بود .

در اینجا باید دید که حزب دمکرات کردستان که خود را پرچمدار نهضت خودمختاری (خواهی) برای کردستان می- داند و مشوق آن برای دیگر استانهاست ، چگونه این مسئله را تشریح و تعمیم می دهد و عملاً بر اساس مرئمانه اش چگونه نهضت خود را از تجزیه طلبی میرا می- کند !

انتظار ملت از دولت موقت انقلابی این است که با قاطعیت کامل دست این عمال منافق و تفرقه‌انداز را کوتاه نموده و همچنانکه شایسته آزادگان است روش متبجی در باب خود مختاری تموین نمایند تا تمام مردم ایران اعم از ترک و کرد و گیلک و فارس و ترکمن و بلرچ و عرب و لر را یکسان در بر بگیرد و بدون انبک بروحیت و یکپارچگی کشور آسپبی وارد شود ، خورشید عدل اسلامی به پرچمداری امام خمینی بر همه زوایای کشور یکسان نور عدالت بگسردد .

روزهایی که از پی هم میگردد دوران بسیار مهم تاریخی را در ایران ورق میزنند . پس از سرنگونی رژیم وابسته و ارتجاعی شاهه برقراری نظام جمهوری اسلامی اینروزها بخت روز و مسئله روز تموین قانون اساسی جدید و چگونه انجام آن است . برای ما زنان ایرانی که بارستگین فرهنگ فتووالی گزور را موجودی حقیر و ناتوان و ناپرابر باغدر بحساب می‌آورد از یکطرف

روزهای که از پی هم میگردد دوران بسیار مهم تاریخی را در ایران ورق میزنند . پس از سرنگونی رژیم وابسته و ارتجاعی شاهه برقراری نظام جمهوری اسلامی اینروزها بخت روز و مسئله روز تموین قانون اساسی جدید و چگونه انجام آن است . برای ما زنان ایرانی که بارستگین فرهنگ فتووالی گزور را موجودی حقیر و ناتوان و ناپرابر باغدر بحساب می‌آورد از یکطرف

تشریح جمعیت زنان ایران

روزهایی که از پی هم میگردد دوران بسیار مهم تاریخی را در ایران ورق میزنند . پس از سرنگونی رژیم وابسته و ارتجاعی شاهه برقراری نظام جمهوری اسلامی اینروزها بخت روز و مسئله روز تموین قانون اساسی جدید و چگونه انجام آن است . برای ما زنان ایرانی که بارستگین فرهنگ فتووالی گزور را موجودی حقیر و ناتوان و ناپرابر باغدر بحساب می‌آورد از یکطرف

روزهایی که از پی هم میگردد دوران بسیار مهم تاریخی را در ایران ورق میزنند . پس از سرنگونی رژیم وابسته و ارتجاعی شاهه برقراری نظام جمهوری اسلامی اینروزها بخت روز و مسئله روز تموین قانون اساسی جدید و چگونه انجام آن است . برای ما زنان ایرانی که بارستگین فرهنگ فتووالی گزور را موجودی حقیر و ناتوان و ناپرابر باغدر بحساب می‌آورد از یکطرف

روزهایی که از پی هم میگردد دوران بسیار مهم تاریخی را در ایران ورق میزنند . پس از سرنگونی رژیم وابسته و ارتجاعی شاهه برقراری نظام جمهوری اسلامی اینروزها بخت روز و مسئله روز تموین قانون اساسی جدید و چگونه انجام آن است . برای ما زنان ایرانی که بارستگین فرهنگ فتووالی گزور را موجودی حقیر و ناتوان و ناپرابر باغدر بحساب می‌آورد از یکطرف

تشریح جمعیت زنان ایران

روزهایی که از پی هم میگردد دوران بسیار مهم تاریخی را در ایران ورق میزنند . پس از سرنگونی رژیم وابسته و ارتجاعی شاهه برقراری نظام جمهوری اسلامی اینروزها بخت روز و مسئله روز تموین قانون اساسی جدید و چگونه انجام آن است . برای ما زنان ایرانی که بارستگین فرهنگ فتووالی گزور را موجودی حقیر و ناتوان و ناپرابر باغدر بحساب می‌آورد از یکطرف

روزهایی که از پی هم میگردد دوران بسیار مهم تاریخی را در ایران ورق میزنند . پس از سرنگونی رژیم وابسته و ارتجاعی شاهه برقراری نظام جمهوری اسلامی اینروزها بخت روز و مسئله روز تموین قانون اساسی جدید و چگونه انجام آن است . برای ما زنان ایرانی که بارستگین فرهنگ فتووالی گزور را موجودی حقیر و ناتوان و ناپرابر باغدر بحساب می‌آورد از یکطرف

روزهایی که از پی هم میگردد دوران بسیار مهم تاریخی را در ایران ورق میزنند . پس از سرنگونی رژیم وابسته و ارتجاعی شاهه برقراری نظام جمهوری اسلامی اینروزها بخت روز و مسئله روز تموین قانون اساسی جدید و چگونه انجام آن است . برای ما زنان ایرانی که بارستگین فرهنگ فتووالی گزور را موجودی حقیر و ناتوان و ناپرابر باغدر بحساب می‌آورد از یکطرف

